

أردونثر كاايك متندا تاريخ وأدبي سلسلم

اُردونتر کی داستان

ئۇتىن: اسىھىيسەر



مطبوعات شیخ عظام عام

مُولِمَا وِالْلِيمِ شِرَكِ مِرْدَا فِرِتِ الْدَبِيَّةِ كَلَّ

اً آدود فوک روستان قسط وا موده مبدالیچنشترد انجر بادی رسما اورم زا فوت الشبیک که طالبت زندگی برخیط یک کپ باشته آی بود کارسیسط که خواند جناب است محسیسه به یک بر برکستانی از مشوات برای تا از داد که برگذشته بین به یک بردیک نام در مشوات برای تا از داد که بردیک شده کردید چی

ال کی یہ آدبی کامٹرس التی تھسین ہے۔ زر توکن ہیں میں سب سے بلے آپ ہوہ عبدالیوشترد کی زندگی ہے درمیشنس براں گے۔ ایش مرسیتما محال ہیے مطبر کودی کی مهدت نیس بدائی اور میں میں نے بھرے کونی فاق کو پاز چاند دلائے بہلے میں انہوں نے تصابف کاکا

حقرادی ای پرید شدید به داده ای متابه سبت کے وصفائی آدادی کی او بادر لاک ہے۔ چید میں اکس کے تصنیف وجیدے کا کی او افرادی میں معندی کی بھی امیان کیک افرادی مارش پرنجے کہ آرد دائیں ہی اوالی چیری کی اور میں دواد رابعت میں اور سے اطال مجاری کے اوالی میں امیان کی افرادی دواد رابعت میں اور سے اوالی میں اور اس اور ایک میں امیان کی افرادی کے اوالی میں امیان کی اور اس میں امیان کی ا

مردا تونادی ترق نے خورے کی بندوں کو بیٹے الل اس "اسرائی میں آئے مطور چاہ مردا کرتا ہے اوال میں با شاخاند کررار درور و ذرک سے بیٹے ہیں مفوج الدائی پراہی کا کمرا تورے ، واقعت کی تصویر چینے ہی اس میں ملامات ہے۔ کے مدین ما افز دوسٹ کراہے ۔ ان کی طور دائد تھیزی آوائی آلا سے مجمع علائمائی ہے۔

مرزا فرصت الله بیگ ایٹ زائے کھڑا تا تھو کرتے۔ مزاح نگاری کے ما جزماتو زبان اور مما درے کے می چنی تنے ۔ وال ٹی الغا کو پاگرفت بمعنون اورخوال کا وست وگریسیں ہونا مرزا فرصت اللہ بیگ کی شسب وان فوق ہے۔ ان کے شہر قا آفاق خطاجی

مرحمت العدبيت في تعسيان تو بي ہے۔ ان سے منهو ا مال صابح ك اقتبارات آپ كے بيريقينا تفتن منج كا لام ديں گے۔ جميس آميدہے كه أد درشركے اس مقبول عام سلنے كى ياتسط

بیں اید ب رادد در سے ان آپ کے دوق سیم پر پُری اڑے گی ہ گزیال برقومی در معاقاتی زمان که شدگان در کافتی

-814 CHOCO - CON ) C

الله شخان المراكب المخان المراكب المر

بسهدات الرياقة المساورة المسا

عاج : رَجُّوْ تُوارَاهِم معنى : نَفْرُ الْمِيلِفُرْرُاهِمِمَ معنى : نَفْرُ الْمِيلِفُرْرُاهِمِمَ

اهادی: مغیرهاست شیخ نشام ای

الماران المراد المراد

100

370 (311100111) (5.00)

رما بدار کوشود بخود کے جنس جیست کرد الد دان الوقائق اموان استان کے استان کی بیشتر کا مدافق کا بیشتر کا مدافق ک ما اور الد جنسی کرد استان کے احداد کرد کے الاکار میں مسائل کے الاقتصادی کا بیشتر کے الائے مسائل کے الدین کے الاقتصادی کے الدین کے الدی

And the state of t

ان که میکان استان این یکی ده این از کان استان کا بیک ده این در این از کان استان کا بیک ده این در کلید برای در می که میدود بر کندم سرد دارگای بیشند بر برای استوار کی این این استوار کی این این استوار کی این این استوار کی این این این در در سنان که برای برای این این در در سنان می میدود برای کند در با در میدود برای میدود

رویتے باوالی کا مقر ملاواعلی کا مقر

 عرائيل خرار ( ع. در ايره کياد دن بادنا دستول ان او باد عماليل ( ع. در ايره کياد دن بادنا دستول ان او کياد مادات ذک ( مراد کياد در ايره کياد در کياد در کياد در کياد مادات دک ( مراد کياد در کياد کياد کياد در کياد مي مياد که دن دور در کرد کار مناول مناول مناول کياد در کياد

المراقع الحالية المحالية المواقعة الأولية على المؤافية المواقعة ا

ن برود به برود به ما برود به برود به با برود به با برود با برو برود با برود به برود به برود به برود با برود با برود با برود با بدود با بدود با بدود با بدود با بدود با بدود با برود با بدود با برود با بدود با برود با برود

که داخلت که حداد (عدی یا که کاری به اندازیده و بدید زیدان یک که در اندازیده و بدید و بیمان یک یک در اندازیده و برید و بیمان یک یک در برید می از این می باشد به بیمان بیمان به بیمان بیمان به بیمان بیمان بیمان بیمان به بیمان به بیمان بیمان به بیمان بی

مونیدیان می دادگری دادات که آمریک خان این با در آن دادات که این با در آن والایلی می وان بدران می از دادات که با این این با این این با این با در آن دادات که دادات این با این با در آن دادات که در از دادات که که در این با این با این با در در در بازی که دادات می می جوان می در این بازی بازی می می نامی با در این با در این با در این بازی بازی بازی

 محموجه و توسيع ارسته ادر کله (دا کال زیر اگر) محمل به قرا دام کرا در کیا داری فرخهای او قرار رود محمود به دارای محمود کرکه به به دیش ارسید و کال آن ایر خود برای میکارد. محمود بازیر محکار مناصف بود کردن -

کے خواصل ایش پر فرموا پر بی کی کہ میں ایک دائیں ہے۔ بے کے والی کے اور کا اور کا کارک میں نے اکس کے اور کہا جون بے کے والی کے اور کا اور کا اور کا اور کی اور کی اور کی اور کا اور ک

روسے۔ موسیق : دیا تھ : دیا تھ : جہاتی دی فرنست سے انہوں کی تھا۔ اور والا حق میریدی می موالئر موسیق مواد تھا ، اور وہ کا کی ہے انہیں شوائل کی داکا تھا وہ ان کا دور وہ کے انہیں کے شاہدا بادر انداز کا کہ کی اور انہیں کا اناقا و کرون دیا ہے کا کہ مادا تا ارون کا دور انداز کا انداز کا دار

ا این اور اور اور میکان برای این است. محصی بریال واقعای کی تجربی برای است افزیر کارا او گئا۔ ایجار در میکوکر اور این اور ایس با کفٹ باشدے کہا میں جی کا تشیم واکر کے اور استان ویر استان کا میکانی می

مسیعی د جرب بیگھنی سے میں کے وقت بیان کور باہی ہی ہے کا انتہار فرائٹ چی کو برب بران کس فر انتہار کا فرائش میں ایک د جراب بران کس فر انتہار ہے ہو۔ مسیعین و راکن میں کسین فرائش کی انتہار ہے کے خود کا فرائش

چى ئے دومارى چى موقى نۇنى كەنچە ۋەدىد. دوچا قانچى كارى كۇي يائىغە. دۆلگە كىقىق قىرىيى موت برجائ . 11م د داگرانيائ . قوضا قىد ئەدەندىن كەرگەندىن دولئىن كان

بر کارتیاب بدوس در ماها شدهگذارد. معتری میزان با بر آدروات که میزان بر بدول که میزان این میزان که می بدور در در در این افزان دوست بر بدول آن نگر اسرک میزان بدود این میزان با میزان را هداره این افزان میزان بر این میزان بر میزان برای میزان برای میزان برای میزان برای میزان در این میزان برای میزان میزان از میزان میزان در در در میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان می الو الله محال السيطة المواقع المواقع المعاقبة المفاقية المواقع المواق

شاہد و کھٹوں کے پیشرسی کا برطور) داروں کے ساتھ ہی گئے اور ایسان عمر مجلی دونا رقر برسے تھا کہ درجہ خواند کا برخواند اور این کے چادوں فوٹ رکھا کے کا موادوں اٹ کے اور واقع کے دونا اور شدتے اور اور کا درکھے والے اٹے انکا کہا گھے کے اسلوم کی کھے موالی

العرب المساولات و المساولات المساولات المساولات المساولات المساولات المساولات المساولات المساولات المساولات ال المساولات المس

برگا فی پیدا جو اور تم این مای محقت منافی کردور فرب ورکور کر بیلام را ایک افتی ہے۔ اس اداران دوری که دادن این به صند تا در بیشان دی آن است و در بیشان دی از مثال دی از مثال دی در دادن به دادن می زیرای تا این دوری که بید با بی که داد که این که و توسید به می این در دوری مثل است می این می دادن می از می در د و بی در دادن می دادن به در این که می در دادن می در دادن می در دادن دید می با در دادن دید می می دادن می در دادن دادن می در دادن می در دادن می دادن می دادن می در دادن می در دادن می دادن می دادن می دادن می دادن می دادن می در دادن می در دادن می دادن

سائيل بالانتخاص المناهدة بعد الإسكان ""

التولي أو يسول كما في في سيل المناهدة والكناء ""

التولي أو يسول كما في في المولي المناهدة المنا

المجالية به المها المان المها المباركة المجالية المها ال المجالية بين المها ا ميستر نيخ كار كاروان مي الباريد مولاما ميكان مياسون كار مكان المتعدد كار مكان المتعدد كاروان ميكان المتعدد كار هيار المتعدد كاروان ميكان ميكان ميكان ميكان المتعدد كاروان ميكان المتعدد كاروان ميكان المتعدد كاروان كاروان كاروان هيار المتعدد كاروان هيار المتعدد كاروان ميكان كاروان بدار ميكان كاروان كارون كاروان كاروان كاروان كارون كاروان كاروان كاروان كاروان كاروان كاروان كارون كاروان كارون كاروان كارون كار

المراقع الموالي المراقع المرا

نزاده دفت دوست بود برگان مدین کی دانانده نصور این این به نیستان کی در بری است. خوابد مدین در این به به نوستان که در این به در خوابد کار به در این مدین می در این موابد که مدین می در این این می در این می در این این می در این می د

در به دوجه دوجه ویشتر ترکید دو استازی بردان مدان کرخوان داده این می مواند با این کرخوان داده این اگر می توان این با به این این می دود این که داده کار این این که این داده این این که این داده این این که این داده کار این می که این می که داده که داد

ر بین می باشد به این این به این این موسد که ماده بر برت که بلود آن برت هم میران برای برای با این باشد با این برت به این با این برت به این با این برت با این با

البرنشد که دون های ما فرده کارسه آداد میزندی دری آداد کار بی به یا ده تر هایسیکنی برنگ موادم کنید و یک ای خان ای مدان میده یک از از معمولی برند که میران برند که برن که برن میده برند دراندند بروی که طریقی میران که خواج به داران میران کار که برای دار اسال کارسی معرفه با دران این کارش که داد که میران میران میران که و که داد که میران میران که و که داد که می

الا يوسيونا بديد فالله التأكيم الأنواع المواقع المواقع المواقع المؤلفة المواقع المواق

ا الموان الموان المدارة الموادد وره على الموان وواد الموان الم

ر المراق المراق المراق المراق المدافعة المجاولة المراق ال

a gravita. A verificação de la colonida del la colonida de la colonida del la colonida de la colonida de la colonida del la

المن والمراج المارك الماس المارك الماس المارك المار

مسینین . . معرات : آپ ای مناوشد کارهای فود و و دکار دارد . . معرات : آب این مناوشد کارهای فود و کار دارد . . گوارگیدا این کاروزی میش کارهای دارد معرفت در به حزت برخ الک و در یک گار گیدا مینیان : در در در برکه با در اختلاف در در تسده در در میشاند مخود این این به با خل منز و میراند کار در این خال سیاست یک می که و میشود بسای در در این در در

ار این کارشی نیست. مسیحی برخوب فرود اطاع انتازی نادی این اصطاع که این طوش خرب ارتا از جوابا کار برخوب و نیم از اورون که این کهان برندان خود از این امران ارتازی این امران است. امان افزاد بر افزاد ارتازی ایز این نیم از ساخت این که برنامی که که ارتازی این امران که برنامی که که ارتازی این که این به احتصاف که این کارش خرب کردید یک برد برا م مست اداریکی بی وا نتوکا فلت مختران فر آدامت مؤنده کارد در کارد و کلده به در کلده به منابع از در کلده در کلده به این انداز در کلده به به منابع و بیشته نتوی در کلده به بیشته نتوی در کلده به بیشته این کلیمه با منابع منابع به بیشته با منابع به بیشته با منابع به بیشته با منابع به بیشته با با بیشته با بیشته با بیشته بیشته با بیشته بیشته با بیشته با بیشته ب

المجال بالدخوس و المواقع في المواقع بالدخوس الدين المجال المدافر من الدين المجال المدافر المجال المجال

هم و وحث مال دورخ فواقع بي جوده و برا فراه المساولة المساولة المواقع المساولة المواقع المواقع والمداحة المواقع المداحة المواقع والمداحة المداحة المداحة المواقع والمداحة المداحة الم

ر ما در ۱ مرد ادر آغاز رفید مهرکورات و در ما در منطق را امریکاری ما در ما در

ره هم المساور المساور

100 - 100 -

<u>۱۷ بیزنی:</u> س - آگریک میراندگیری قومان کاکی کودند ید م چاک اور بیشن به فاکر هم شوندگاریک فاخ چرد برختری میمن نے چاک اور چیزا، اور فاروس طرف کاریک فادی چیزا، بیرود کروند کے فارب

همان اطرابی آن اعراق در در گرد افزار در ایران ایران ایران و به گرد با آن ایران و بید کار دارند که برای میکند ا توجه به ایران که ایران اطاق ایرا دارن ایران اطاق ایران اطاق ایران اطاق ایران دادن ایران ایرا

ی کوشت کا سرتری کار کارگر کے واقع دائے ہے ۔ مسئور کرا ہے کا ہی ہی اور کان این ایک ہے کا فرصص میں ماخوج کے محتوال میں ایس میں اور ایس کا میں ایک ہے کہ اور میں میں میں ایک ہے۔ ایک فروز میں میر میں میں ایک ہوری ہے کہ ایک واقع اور کا سوکھ رہے ہاتھ کیا ہے۔

ر المراقب من المداول من المراقب المداول المدا

شير كونك ، أله ير حدوكورا كالآن شاهان الادواج المنطق العدياً كل ال وقت في يكونكون برود العدود والعم إلى منتور دواج البرود المالية ولا ميراللف بروانك بيد وسيعين : در والاست بالقوائل كون الكان كالمست العدام المنظر تعدّ والنسطة بيدا في المنظر كالمنافقة المنتقد العدام المنظر المنتقد المنت

منتوجست شداخ هر پرست کا باید . خفیر میون ی از خزار تصور کاری شده ده موسف بریک . داد ده موسف بریک . داد د خواجه به بریکود نوان به از ی بر داد کاری می برد بریکود . بست داگره به برگواد نوان به از یک بر داد کاری این برد برد کار کاری اداد بری می میشاند با یک کاری کار خواجه برای برد از می اید با برد از این از این اید برد از کار داد با برد ایران و ایران ادار کار داد برد برد از این از ایران داد برای کار داد برد ایران داد برد کار داد برد از کار داد برد ک

ر المدين المدينة المدينة والمدينة والمدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة الم المائية في يعلى المدينة الملكة المدينة المدينة

یے بچھ ساں افاقت کے اعداد مرسمان مرائی کرکٹ ان واڈیکن کی گر فرور کالوقت میں مفیضے نہ ہاں زائی اداری استنقال اور فواقوم کی ہے وہ رہے مائیکن کے سرے دوز میں والے ای سامنٹرنیا اور یا تھاکہ دہ کالادر والی

هجری مادوسی و این معاصر بیمان در آنها کمده این دادر این ما است که به بیری در این ما است که بیری در این در این م ماه بیری بیری بیری در آن می این می در این می در این می در این می در آن می در این می در این می در این می در ای می در این می در این

المؤلّق عنى و دو بخروب في الم جال بينياك و دو آراك مراحت بن التراد والله موسا سامان الإستون والله برايات رق مي المواقع و في والا مع المستون والله برايات المستون الى الدود رق مي المواقع من الدي المستون المواقع المو

عینی گوئیں فرک مِنظنت کی و شک اوربدای دی کل دیری خوات خوات کا برائ نمی اورفیشنشات ان او و تا براهاک کید خوات بی ایش عدوم بدندک شدند نفض که آماد کان می آن اور ایدا مینا سعوم برا کر گوا

در المنابع العالمي كل المنابع المنابع

المساور المسا

ત્રિકાર્ય સામિત કર્યાં છે. કર્યાં માં મુશ્કિય કે માત્ર મું કે કહ્યું કે માત્ર કે મા

 الله كلاب فيودم كان يختص بمن الإنسان كما فازدنا كان المن من بسيط كيدي توليم من بمن شرج بعد تيت التواجه بي الم المنافظة الموادم بين كان كل الإنسان المنافظة بين من من من من المنافظة بين من الموادم المنافظة بين بمن المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة بين من المنافظة المنافظة

را و کرتیادی از آن یا کیسی «دونوورها کا انتخابادی در امل نجراریکی بین از کاریکی بین از کاریکی بین از کاریکی بی اگری ای بین کار این از شدن این این از در خواب کرتین بین بین بر در خواب کاریکی بین بین بر از مین بین بین بین ا در این در در این بین در این در این در این در این این بین بین بین بین در بین مین میرفد. مینی بر در در و فرای این این این شیر کرد کرد بر کردی برای و در این میرفد.

آرادی کورت کی موخر فورت که کمان از اورو د مکون اگر اشدار سد دو این هیچه مدان دید کی بیمی نیزیکی آتای میری د برای طلب سد برخر این نشن تشاری می مادوس می مواد می برد آیریکی ساخط می انسان میان استان می مواد می مواد می مواد می مواد برای می مواد در ایر برد ایریکی ایریکی می مواد و ایریکی ایریکی می مواد می مواد می مواد می مواد می مواد می مواد در و در در برد ایریکی و ایریکی ایریکی می مواد می مواد

العدد كي كوك للف كي الحداث كالمروث في .

برطنده آن او آن آن سد به المنظمة المن

بر المراض المعرف عن أي حورت الجاراً إليه " الحرافي الخذاتي المنافزة لد من المجاراً إليه " الحرافية الخذاتية ال من المن المنافزة المنافزة

 علاکرده آن بودهان در دکار اتلی به انتران استان به با در این استان که دادهای در این این استان که دادهای در این داده مدها افزاد در این دادهای می افزاد شده با برای استان با در استان با در استان با در استان با در این با در ا شده با در در دادهای و این از مین استان با در این از مینان استان با در این با در این

<u>(فرا</u>ر : اگل امریمادهٔ آلات می مجھے جمائشتی ہم لگتے ۔ یہ کی با کاسے کار وقت جمال وقت ہے ان کا بر مطلب انہوکر اورای وقت کا حضہ اندان برای انتخاصی کا بھور سیابی وقت ہے کیس بڑا اطلب انتخاب کے باری اس معلب یہ ہے کہ بیان ہو وقت کی آلایا مثام مؤردی جلسے کا بھاں امان اندان جم وقت کا

ج مبھ کو بھاں ہو اقت کہ فائدا مقام عرور کی جائے گا جہاں آمان نام وقت کا مقامت جا ہے افغا ہے۔ محصوص و بر کی کارکر کا خوارد: والم فائد سے کھاکہ کیشوں میں کچھ کے تشہیر انتخار کا سے ماکھ کے آلیا جائد

د گذر و « با با هم الاستان فی الاستان با بدنا مین» اول شده ما آن این الدن این الدن این الدن این الدن این الدن را با از داد به گاه مال بدن سیدندگی چو « هم آن در بدن دون کلست نید در تول برنا از داد به گاه مال بدن سیدندگی چو « هم آن در بدن دون کلست نید در تول مداکری برست بازمود و این بدن این از در این از در این کار داد شده می شده بی از در این از در این از در این از در متلی در در دون بازی کاری این از در این کار در شده بدن به این ا

كرانه هم الدولان على المساولات المساولات المساولات وقرار بالحال كوران المساولات وقرار الما الموران المساولات ا مي الإمام على المساولات المساولات

ر بین و نصوبی از میدود به این به میشود به این سازمین به این به این میشود به به این میشود به به این میشود به بر را بیش نیستر در از را میشود به به نیستر آن در که در این ایک میشود به داشتن و در در این میشود به داشتن و در در را همیشد تر هم میشود به می میشود براگرا آن داشتن در یکی نیس به باشد می آن میشود به این میشود به این میشود به ا در این میشود به میشود به میشود به در این در میشود به در این در میشود به در این در میشود به این در این در این در این در میشود به میشود به این در این در میشود به میشود به در این در میشود به در این در میشود به در این در میشود به میشود به میشود به در این در میشود به میشود به میشود به در این در میشود به میشود

 خزاب طورسکه دوباک میزام بود ساوه میگیر مای خداد برای دوناند آنداند. بازیک می این میشان داده میده این که گوری و آن و آن بازی برای بود به به که بازی در دارش که داد. رای دوفت میزان بازیک کار این میگیری شده این می دود این می داد. برای بازی داشتند تدار میگر با بدر این برای کار می میزان بازی این میشان در میشان در میشان داد. می این در در میگان در این می داد. می

می میدنده که این میزوند کا در طابع تمین در خور برای با کنده تا میدند خور برای میکند و این می از میدند کنده تا م استان می میزاند به می می از می این که این می از می این می از می از می از می از می این می از می می از از می از

منهای شده ایرونی کار در منکست به باشد کار ایرونی بر باشد کار ایرونی بر بداند کار میرونی بر برای میرونی برای می بردی بودی دود کار در میرونی برای برای برای برای اندر و در میرونی کار ایرونی برای اندر و در میرونی کار کار در می میرونی واقع میرونی کار در میرونی برای برای برای برای برای میرونی برای برای میرونی کار میرونی کار میرونی برای میرونی برای برای میرونی برای برای میرونی کار کار دود کار کار دود کار کار

ين المؤيّات المرحد المدون من إلى حداد بات برخدا كا جدادياً من عراق الدحرات ... مسيني ، قريان خداد المروط ب » مسيني ، قريان خداد المروط ب » وحدد : بروام خوارك تك ، كريان كم كان او لأكور يست ذانه

ر کرد : رود میں ہے ۔ جو ہائی) کے کرتا دول اوسید کے دادہ کل اور کی تھور کی ہے ۔ رو ہائیدی کیسٹان ان اور کے مائید ہوت کی تھور ہے اگر براہ گرفتر درنے انتقاع ادلیکہ : "برمال جادت کی تھور پردا ہر اور اور ان سے میکر کورٹ کے دار میں اور انتقاع ان کا شور پردا ہر اور اس سمین کے میان کے رائیسی اور انوام ان کا وکھوں کے میں کی گا

الإردامية بالتدايات المدينة والمدالة والمتابعة المدالة والمتابعة المدالة والمتابعة المدالة والمدالة المدالة ال الإست كالإردارة المدالة المدالة

الكُلُ كُولُ اللهُ الله المرسكة نظرتها والمناف على الكيط الله ادرول اعيان إلى ال والدي كالانتفاد الديدان ملك الاتت من وبعدي معلى الله والحاس ومنى ويالى نعادنك . wis Letwis winds jet de

الرودان بالان عاد فالموانس عنى زياده يصبرى وكمادك، ات ي زياده خدار يوك . إلى وقت تنافى و في كي الفاع قال

لاست فينت مجرادري في يون بوالدي الأول وي المراد وي ようななりないとうしょうしょうとうなっちょうと حسين ؛ داينه أب كونها لمرا بعان ابول ميارى دروتم ، كاكولًا عريان والمريد الدون المريد المراب المارك الما الما

ع مرا به ومناورتها دو لے دیا ۔ الرود والفائل دهرال المتراك الماحند المرود مذاكر يحتبو ووناس جاكرى مرك دولها الراجي يرى الكسال - 206/ www 180 Br.W حيى ، (در ك دا ع والله و الدوك ك الحد بالدى وور و المليان

امرد ويدال سرما في كرمد يط و فر كالشش ك ذاكر وي وك محمل عدي الى وضيعان على الإسراكي كو معادي كرور اليس والحرك إلى مال じかいがっかいというとんじいこういいいろんかんと المناكرو الس بالدورارو يولا كاكواع ومده كالاكرا واسارت عالى والكريرال مادى اكالمرة عالى وقرعادها

- ゆんしょからとていいいことのとか حيين ؛ كود خالقال من ١ かられなるとうかいりったはしくうれいかいしい るり、ないというとうとうとうとうとうというとう مين الريادكالروا والميالدات وتاودكر بالعصباع ال しいかんはかんしかいかい ومود الموسى الم نين كم يك . بن تين ويكرا بالي وي ياق

- Lun detichon proson مين ا ويمرناب كت وون على يسكا أبار أن إن. مرو: حير كد إدر منبط علم أو إ الدجروا والى كريد كا وورول م - + /www. 835 866 مين: ى اكاد المار والكادروا فريد على عالمن وا اليفيال ي يرك ول اول الله والك ومد كا يول ويرك ي الم الله المن المعادر عادت الم والري على وكالري ارد: بالله بول. قرال من في لا زو كم الدوي استاما كما ين

زمرو ورنين كرول الخذخة منادقت كمن كني وتت باوكا في بعدة مسين المرفدائ ودميبت كاث دكا الداب ايد بعام دفا بعیشر بیل ک کیے عصر ہے کہ وصل سے معلمت مثالتے دیں تھے۔ دم و : خداكر سايدا مود المعين البي تصدي ك امديش. مين: وعرت عن ايديش ويرمنت عي كالمفاردي ويرى یں بہاں دکسی والمی کاندلفہ ہو مکٹ ہے ، وکسی حاصد کا حد - بھر ڈا بدائہ ہوت

ولي المدر يسيم الما الم يسين في الي المرجون من وكلها الدكها أو و و الى

"(x, 315) We 2510. W. W. 1000)

- STADING NE

340000000000000000

ا وفي عودلًا تشرياس ما ديس مينوا وسيدي "

فيس كأيًا بهب، \* وكانفنطوس ديدة الله لرود ب تنك ، گرهيمن تر بال قبل و عس تشير والدادي اور رد المعت الله الما الما يعدون الدائد ورج مرف كالمدونا عامل عن كرك أيس - قرال اجي الى الكافياك و في تفخ اليس كادراساطا جركوما تدوي براجر كورى دنياى تية ليكيفي ايك دخاى فالمراق المراوع الماء وتكوم عزت سط يهال لذه أت اورات المراسي كر اليس كمركم للعندي إدما مزه تبس الماءال يصار بالنقدي ياتنس صعرى مع المراك المرتب ولا من بير جانا بيدر الل مري كان ف اده

مين: الموس إلمري كب بالالكا لعرو: صب مم يوجات، قر كه الساعلوم برة سنة علوي با والمراية الى المحار دال كاكن كالديد مزور في متين جارى الى . مين يرى ك الدوه والالاد فايت بى والش ول عد المداور ديلن كالله أوس لا على ير مدم وبار الاند في قا بن يرك ومال لا مى علمت بنيل طاعل بوا . كر (مروق ع قراب زما يها ع كا -اب ال قات ع ي بردات يرا إلى الله الله ي إلى المالك لا الا كالد كا 15 Bandrondspilon colone & ماء تمهاد سانقادت الرب جب وقت ترج الربي مراك اوديك

مسیمی د . درد در بغیراب آزند سے تباہے ڈا آن کا معیدیت برماشت of hitecim burt lateria och 82 to Ruper or Land Hildrands of ومرو وكين الباطنس بموزات وكأني كأة وجنت تم يرحام بوالك يم لا قامت تكري شدى ايد دري . فتين ونسي وياهدارك إشار يكراك كرواك conconditione fine probe Lings

دي ين دي ي وي ك در ويني دو لكا- يز ادريكال كروا فريد يين الذي بلاك ، المعامل ومنون و تربي بر عدا ي يو. الله ين اللذ إلى تعالى الله ي في العائل كادم احروي

الله بي المساوية و المساوية و المساوية المحاصلة و المستوان بي المداري في الموافرة بي الموافرة عن المساوية على المدارية المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية والمساوية المساوية المساوية المساوية المساوية ا المدارية المساوية المساوية

كدوران وراد وراد والمارية كال عاد والدار الدارك كال عاد والدار الدارك كالمارك الدارك الدارك

رود قربال بط براک مشاطئے ہائی میں اس مائٹ باتی ہیں۔ میں : برائز تری ای ہی ہوئی ہے قریکی کا خدر در مکتب ہ سے در مشترہ عدار کر انگشدہ عدمت کی ہدیر جاکر خاطر فاج اومست

آن بریش ادد مهده و بریکی اگون ادد دار تین ایران نیدان برای می هر بریکی برسب کسسب عدل اسک میران برای آن کند به با گرفت محت مده واد چاپ در واقی نید برای می سد بی بریکی ایران بیا در میران بریکی و برید واقی نیاس وی کامان بریز کیده میرود روانش میشود و با میان کامل کیده واقی کرون دو در داران میران کامل می میرود اسکان مید و میران کمی بدرا با ادر جدید و در این می میران کامل میکند ایران میران کامل میکند.

ہر کے اعدال درصود کسمانتی وور کالی پنتر قا درجا درجا ہو اردیکشش در انتخاب واقع کا اردیکشش برا کرداد ورسب مدال واقع کے حال ان کا برا انتخاب کے انتخاب کا انتخاب کے انتخاب کا انتخاب کے در ورسب نے اخت ہے انتخاب کا انتخاب کا درجا ہم ان کسمت منا کا انتخاب ہے جین اس دوسرے اختراف کا درجا کے میں اور انتخاب کا انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب ک منافذ کا منتخاب کا درجا کے انتخاب کر انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کی آن کا کہ کے انتخاب کی آن کا انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کی در انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کی در ان

نے میں شدہ ہنے ہے ان کے اور انداز میں ان افعات رہے ہوئی کے اور سال افعات رہے ہوئی کے اور سال افعات رہے ہوئی کے اس میں میں اور انداز کا آبار سیار برائی اور انداز کے انداز کر

کرمانشهایی آن که آخر دان که میشدگی متواده برایش مواندهای ایرای تزاوری هاید میشده آخید در ایرای ایران در حد دانشها و درای که دورای در کرد درواند که نیز ایران ها بر دورای در دورای میشد منطق بر زاندی که می اعدادی و با ایران با در دورای برای میشد و با دروان بادد شده برای آن در فران برای با در کارش می اندیک میشداد حدادیت با در ایران با در سازی ایران برای کم میز

ے بوگر گزیز دکرانا براز یا باہ نموی افسیکن ۱۳ درے ایست پیانی چ چه د فرسان ایست کی تکاری اور بیشتان او آلاک کی اخری دیشارسیای مکمن کے ساتھ برای میں داران کی شدوج میت کاردیت کا کرندھ تھا ہیں۔ مکمن کے اندازی کا اور اور کارور کارور کارور کا کارور کارو مسئول میں اور اور اور کارور کارور

القربزار جواول ي ويكدد إب يه

المستوان ال

ا درید قرق کی آزاد میش موت می هود در نام کرید تی و که که یا کون کر چران این اطال النب به به به در کار گیال بود حوالی در کار ادارات از درید نام ادر دریا دیگال در برای کار خود بیش کار از ساید و مواد در بیش می موان کرد سای کار کار دو مود دری بیش کار مین و دمید کم پدار میش دول کرد بیش و می از کار ادار

مسيق - اما معلى اي معلم به تاراق طنت جادة كي بنك الاعلم من مركز الله جزا الدولال الذائب -خود من - جرسان الاولال كرام في على ودولا كالمهاب الله يفعد وي جرسان برند إلى دوس هجه ايك ما ذاتها تكامل برنادوي

جراس ما وفیدی وارت فقد ای دارک بنترس سنتری که انتر رکارست کر 24 Miller & word in Various area المعت وخرث عي ظاهر إمرأيد ع تعرظمت من بستك وال

فوسى ، قى ن كام كاد وع دى فواستان الله ب قرا يك كو المستان يا جحاكة وجسته المول فرمث سيجد فيف واحت بدعائها فرادة التاريخ الأ ي كي و ي الله المن المريد الماري و الماريال المريد الله المريد و المريد Last Librofien North EDIL ESVLIA ال على تعلى كا د كا فالى كا دروم ف د كى تتريق كا فيدون ور

الدائة رئے بعد الالک دستان جان برای کے بینے بی دوگان کا البیان دونى دە دەكەر سى دېرنىڭ بىكى اى كى چرىتىكى كوڭ انتادىكى . جىب دىك ر الأمر برا في فالكامل والى والله وحالت إلى كمرا ب على والله وحالت إلى كد ووا يرجوز كا هذا الأثمر جوني الماك صورت و كليفري المداؤم كالمجيلا

بركيا كر شجر معرضت كه ايك ثامنا تم مجى يو. " صین ۱۱۱۰ آب بدال کستنے و ·はいかなしといるだいはかが

18 US 1 JEST · Lite il new cld in والم بول، ويس كريان عار ادراى عادين وا الرقاب بيان الايك

· cultifluio حسيان ، وه ايك كما كالكا كم الريال بالريد كال ويد إ - W. S. J. P. V. 20 13 /5 (4. 1 3) 7. FY

الم كافر قيامت كك و Subant 100 ment 100 15 6 00 50 10 2 18 28.606.67 xx 203.00

المرجزي والدي وفدك والدي معتبقت خاري يهي - 4. NOCULISZO مين : الثاير تبارك م مثرينان أق بون كي

٧ فر ١١٥ الري كو مزورت منى و دواك قيم عدي خالات ور ول سي مداكروتي ري -صين : افوس مي جنت عاديكي لميني كم ثناه يي،

المرجن : الدوود والدك اللات دارد والعلام كمعال دراف ك 2-18 cho 1 2. 345 6 600 8 - 4 5 1 2 5/19.10 فالمراد كالمراج - بدا الدكال دوافي المراج الركام المراج

فيسى كالكاكول الدهب بحص ويما في الانالان المرجدة والا وال مالم ما مري (الديدية ع عد المراجة يد

كراى والرائد عى وه داوى الحا كي بالتران ميان ، وعجب عن وادي اون إداد ير درام ي ك يك -3110000 كانفم بيؤتي ولبن ابسيطوا ورطليب كا اوا وه كرو .

مين : كرفي اكافردوقاديك الماس عال فدين كل يوالى يرا

48811 المرجول المدمية كالمراكب الموكد على الريان والمنافية بما الرقعب · 5.00 5: - 17.07 6.07 いんいいかとはんかのとせんいっとはいんひか

الزدول في ال وحشت الكرمكن والمعدد كوي والادر شراحفال من تشف "The way addicted ye in Later 2 die FV يم كم يومين في من وخست كادد ومرطب كاداه ك

ا كامغ الم حين بروقت جنت دو الرك ومدل كا وجزال مي وقد المرج といういかっていん いいしゅん かいかはんというべい LOVER ET CLEUN - 3, Becyl id po a por or pods はいからんなかんとうるいからり とくからんしん وع ين كمان الل مقرتان مع تلي تعق كركين (دالله والمعتمال مكرت يريكون كرموت كرات اب الرائر جيسك وواصفها والم على وال عًا عصيك بيت بي فأ اصري الله النا وال ير تقوا في ووجي الأول يا جس

وهت دور الدائرة والمرافر والورائود المعال لي كان الماكيرك المساعد المساكرادية ووطع والإراكة والمارية مع ك ك دور ع ولان كورى ما لت سوم و ما ك ع يسني والون عنى ما وا صافت می کا شکام کے درتایا ، وارد اب ای کے دل دوائ ر سے سافان عادی تلی را نظتے اللتے اس تے جائے سرحالت میں اس کا دل قرب العد ریافی تو ديك - دولهي وكافرت و في عن ادركين ميرد عن كالدكري في . ين وعاد الد رتان کی فراب د کتابی دوشرطب می بخوادد می نے اللا کے اور کا ع ادماط طفاك كراب بديم الوادك المادة المحين إلى وجوت المري

ين : - ياريك ) العالم فدك ميدن بودك كينيت ديكون . اودا م とういとさばんべんはんのではのかいかのかんかんからい الكاعلى لال الالب و تقا . فأل أولا بن ع كور ولا ال 140000 ين السائر والدمشة خدا بالوسف وبالكاركا و معين إليا يكر ديجا لم المحولال تمامه كل .

ين : ( يَعْ مُ مُدَم جِم ) و عَنا ، كُل عِي يرى نبس برقي-Brance en Ly 11/2 11 0 12 1/ 50 يني الريوع عرفال الدارسان وإده ينين عظر سكا قدا المعارية

ید در بھی ہے کہ ان وال فرار کا شاکلی سے دی یا گھر سے جی کہا آرین کا کہ نے تیں دیکی ۔ حسین جس سے نے اداک ایک ایک دیکھ الصادیث نیار کہا کہا معمود کے اللہ دیکے معاون ۔

مع من مي به منظرة في محافظة في المواقعة من حك ميزان الخور بالدي المواقعة في المواقعة في المواقعة في المواقعة ف المنا المواقعة في المواقعة في المواقعة في المناطقة في المواقعة في المواقعة في المواقعة في المواقعة في المواقعة المناطقة في المواقعة في

: cost whit

مى . . گى دىدى ئىلىدى كىلىدى ئىلىدى كىلىدى كىلىدىك

ے جا ہے۔ کے ایک ایک ایک دیرے کی ترایک دند ادارا کان لیائے ہا آؤ اس امکان کی ادارا کو بھی ایل اردارات میں منا دل کاما کا ترایک اور ان کار محیقن : جلعلولیٹ کا کچھ اس کرایا ہے کہ کے اور ان میں اس

کی آبادے سے با دہ ہری کا آخر تھی ہوگی۔ مٹی ہ - ابھ دائش کھر آخری کا واجہ اسری واب سے ایک اخری ا اگر کو پر المقبول کے افتد حال کارٹری ہی آفریک کے دائی ؟ -حمدین نہ - انجابی اگر کئے اما اور ٹاریک کرائے می و یا المباخی ہی ہی

ارت نتی واقی م بالدی و قان این این این از مرز نتی یک . معینی ، فرای کامپ برید تا می فرد باید ... می و دو دو این مود کرد به ایر کام که به به دونرسی با داشگری ادد ایران ایران با ایران با دونر که در ایران با دره کلی به درای کی معینی می و داده ایران ایمی ایر ترت کام بردی ادد می کنم بردی نام کام در کام ایران ایران ایران کرد. معینی می و داده ایمی ایران ایمی ایران ایران ایران ادد کام بردی ادد کام بردی ادد کام بردی ایران ایران ایران ایران ایران ایران ادد کام بردی ادد کام بردی ایران ایران

10:20 LANGERLOS SINCESSISSI

سطح: ہے لک۔ اہم اسامیل ہی جعوصات بھے۔ اسام کی المرشدے والی

وي الدوك المراد المام وي والمام يوكن عدد الرابط والمات المعداد

الله فراقال عرار . الدرالال وقالي من فيد رواي المعارات

ر کہ کے میں رکا کے وحصات مواد درایا کا طریق احد کا جات کینے کے اور وحق کا دوائد ۔ حین دائیں ایسے کا کان کے لیے قوارہ بڑی تھا ۔ بھوم تی ہو جنیا ت اور کے ول کی جدا برائے تھے اور ان موکی رکھے ۔ بھراکی جو کا وجنت اعتراض براہریشا فیرس اور کے دوکس کے بیستا افتان بیش برمکیا اگر پرسے یہ سے بیرا ہوریشا ہی کر البیضیاتی۔ ایس میں بیرا کی برائی اور الرکام میں اس المیاس بیرا میں اور اور میرے مال جائے ہیں جائین اور بیس اساسی عصابی اس کے باکا مخال میں موقعہ برسے اس سے امیان تیمان میں اساسی عصابی اس کے باکا مخال میں مراقعہ برسے اس سے امیان تیمان اساسی اساسی

الا ملاية على من المرافع المر

المراقع المراقع المراقع المواقع المواقع المراقع المرا

ره که انتصافهایی این با این میداند به این این با این میداند به این این با این میداند به این با این میداند به این میداند به این به این

、いえんせいんせいいとのどらしていいから

1のこといかでなりないいいには

د الحل کم انتراب به تراید متعدیت اوران کمانا استران بردست با بیشد ام اکارای از این ارزیج ناست به این واژی که کنید میشوان اهد دادار کشوانی می این کمان کمان هداری در بیش میزود که مرتبط اور وژی کم میشود می آن که بیشود کا واژی کرد خوان در در این میشود سازی میشود کمید و تاثیر کارد که دارد میشود می

البريد المؤلد والمدارك المؤلدة المؤلد

ه المساعة المس من أن المراكة المساعة المساعة

ا با هم در دیگر شغیر برای کار افزان به ۴ مسیله ایریشان برای دوق به کوستم جنوانیان با بید شخودگایی میران کرد برای برای برای برای دوق به موسیده میراند به بیدان به میراند به میراند به ایری بیدان به میراند به میراند به میراند به میراند و در دوراند به ایری بیداند و در دوراند به میراند و در دوراند به می

مسيق : 3 كالكن ئريك مينة الحيال كالإطابات بريمان وارك پريمانات وارد برايم ؟ مختل رفائد الاستان وكارس كالمريمان بريمان بود. مختل الرفائد الإستان وكارس كارت وكارس كارت المستان بريمان بوداري

فارن کر از از جدارے کا مرین دائم کے برن کا موزنان کر اور نے کائی اور عاقب برق چران انسیانی کاری ای ان کا فاق وست سائد مل کا کو کاری

یو چلے بی رامان انجیان کے انتخار کے این اپنے کی رائد ہوگا کی۔ کی خوت جادا کی کہتا ہیں۔ کینٹی : بھراتم اکا انتخابی میں میں اسے است رائد کر دیا گیا امان کی خوت میں جھڑا ہیں ، چاکا اور دی کہ امام کی جا شادہ کا سے کرد ۔ آئ

ه من المساورة المساو

ر برائد موادی است برائد است برائد است. می این است برائد می می می است برائد است می این است برائد است برائد

ادوش کا گذاہ ال میزود اس میشد و مشیان بر آزاد اعلا کہ دوبار میں بینا. الاشرائی وہ وہ بیشم بر فروس کا مصل کے بسے کہ نالات سے کہا گئے میں اور الاشرائی والا میں میں الاشرائی میں میں اور اور الاشرائی میں الاشرائی میں الاشرائی میں الاشرائی میں الاشرائی و میشون سے میشون کے حرام کے کہا کہ الاشرائی برائی کا برائی میں اور الاشرائی میں الاشرائی والائی الاشرائی میں ال متضرون اسكنجدم البنس الداران كالكسنى اوره عمول تح والديوران のかかからたいたがかいいというかのかいから ひゃくがとうりがとりののといっとしまけらししゃがとから كرجم ما في م يحكاف ، ما تقب تا الرقاعت اى اكين رقود وى كارت من نے ひといかこんといかのかいかいいいいい ين ساكرد ع كدة اوفيا ولان كدوكل ماعلى برك والاست بدس مى موا ويدا والدور المدك كالو واحل والقداء يمين كال فراد السر وي مي ملك لا فيال الله والما تعالم بالمراس على وقد ورى كالرسايد ووقت عالمه الله بالمامات يماد عالمفاكم كالمان المراسق عد المال はんこうないことはかりはのはんしいとしいろのでかいの عرب الدين من الانتساك من حسد كدنيا ل ندل فريروا في المحقق الناس والع إلى المقامت مرف مرمات إ وقت الالمر عبد كم الل ق وفالت ياروك ورسال بدوي عي يدما يري ما يا المان المراب بد عافرة كارت الما وعد الما وه والم الرقاعة الما وم الم الرقاعة الما كرا 4 pt V ze som . Sec so Bis Steen be anie كالاسكريد عدد دبدرام في وكونة السام من دوانات قرر جريا سافاء تنفي

في والم عدد عرب في والداري إلى يورف الع لادن الله يعلى تبارد المايان

ا خواجراتی از آن ایر ده حاصرته و کیا مدیدی ایجاد به پیدیه برای این استان به این با برای این استان با بداره این مهارای برای درخی درخی به این احتیاب این این برای درخی به داده با بدر این این استان با بدر این این استان با در این این این از این استان با درخی این برای و افزار این این برای برای درخی با درخی با درخی با درخی با درخی با در می این این این این این این این داده برای بدرناست بده بدرست مسامی این داده برای بدرناست با درخی با درخی با درخی

مازم دوزالارخی فارة السبت م میسی و ایترین کے اگریما و ایتشا بیون کا کیسٹند معدد واضعت بھائی منتول دیے تایا ۔ دستاہ بری کی طرح الدوقر کا جس کر بھے بروجے ہے مدب

برندوع بوسان دارون یک دربرا ادخوش . میخود به دک بوای میشون ک داری شار ناجه می برای که این که میده دریا مشعری و قرقت کرد می دون برگرای برای بادن نوری میزد دران دادن از دادی که ک نیم با کار قرصت میدند رفتی برد

سين الله با دادی این براما پر ایس که ایم ایس که این سیست کیون سه در برا دادگاه بنا ایس که برای برزید می سیم رستان مراکل برا بری ایر در داد برای برای که ایم ایس که سیست شده ایر ایس که این بران با بران با بران با بران به ایس که این مراکب بران با بران به ایم ایس که ایس بران که ایم بران که بر بران بران به ایم که در بران که بران بران که بران به در بران که در بران ک

ز سازن میاد کنود کار این او میستان کی خرجت حاصل کردند کسیدیدی این الارجید، و ده قریست حاصل بر دایش فریسلی میادند که خودرت میش و قریست میشود. بیش و با داکار خزشت میرکاری تخصص میدادند کا منطقت میشود. می کارسی خشاست کرمی فقر جدا فواد فر برای کشاری حاصل شارتی و داران داکلی مه مها بازد کریمانی این با در ماند میدان برای هو بازد کریمانی این میدانی با میدانی با میدانی با میدانی با میدا مهار میدانی با میدانی با در میدانی با در میدانی بازد می امار بازد می امار بازد می امار بازد می امار بازد می ا مهار میدانی بازد می امار میدانی بازد می امار بازد می امار بازد می امار میدانی بازد می امار می امار میدانی بازد می امار می امار میدانی بازد میدانی بازد میدانی بازد می امار میدانی بازد می امار میدانی بازد می امار میدانی بازد می امار میدانی بازد میدانی بازد می امار میدانی بازد میدانی بازد می امار میدانی بازد می امار میدانی بازد مید

عرسه لي ما مان مان الرسالي والحديد في والم المن الم المن المرات

ر کارور پر بنان عادی این کارور ک این بازی ادارای این بازی خود کارور کا

 مومور و برست ما ما یا به مید و دوان یک انگان داخریس ۱۶ زش انوازی کردن بردانش و باقر ساخگل گل دکون نشده باشد که بازد کار میزاد کششش کله گرای اختی زاد داد. ندارشان کا جزایت شک دردا -

اع به بدین کمب و دوا در در در در دواخ تقیید می متنام جدیدند می آدایدان بر افایا بینی بری ایک در تشدید در ایک میران میرد و ادر دوافق حد دکرید ترفیقیا ما دادهند فاکر می فواندگاه در می که که کمیدگیرششی بال داغله میتیست میران هم کمیایی فعدانت داد

ومورا دری الکسری بوسب برای نارانی و در می دانی دختی توجد مثل برخوبیان ادامان الفران سر در داده و افزار یا در حسین در کشود مشتق او در اید به که برای میس بردند می اید کهای آن به در دانی بر داندستان برای این اراضی اید کهای می اید در مداره میشود برای در ساز می دادی سازی میسان با در استان می اید با در سازی اید اید در استان میساند. در سازی میشود با میساند میشد میشود میشود می دادی با در سازی با در در میشود میشود میشود میشود میشود میشود میشود

## روزى الخداعة ت كريبالك ركزاتها .

میرزا محد دادی دکوا مرداند ادی دادی تعدیر تصور ترجی

مالمات ذخرگی ! من کردند از اجرائه که هو قد و برد کردند باد ایران میدانده باد و در کردنده باد در ایران میدانده باد در ایران میداند به باد میداند برد برد میداند باد و بیش برد باد در ایران میداند باد و میداند باد میداند باد میداند باد میداند باد میداند باد و میداند باد میداند ب

قالى يقرك و ترق تعريجي مداك مدينة يس إلى ركين تاطور إلى كمانشان ع الريال الكيمين الماق - فاك ميمامو ف كانتفى اورسعيد الأكيون كم نتفيرا ل جاءً ما كا تقيل سدالاي الين اللي آذه كازه عيديد يقيد مان على مرت ليل أورسايت کا دونا او تذیبی ہے ، اب ای کے عقد اللہ جا سے جی ای وقت بھالی بنول 1. 1. 12 14 15 15 P. E. وما كالمارة على والمارة على والمارة على عرف المارة والمارة ہت ہے اور اور اور العام معرف کا ایکا ری اور اور ا مين سي و المعرب عالمة المنافرة عا بوسطة و أو الأو يال مين وفي واليو مريداون والمروث في عاد كالتوالي وياري المراه は、これはいいいのはははいます. いいからとしんいるよ ين ناع دُوامِنون كي سيدان كها يوكن على أويزوى من كان دوك كالك

الدرنان في المستعمل وي المستعمل والدري المستعمل المستعمل

はんじろをユーターからいろいいといいんいいかんといんといん الف الازوال الورقات يركال الدعة على يودا اللي طورا بالمرا يرسدوا وجرورو إلى مورية الاسا فام كريت ماريد الم - Valabilia ا ين كان والعد والعرب والعرب المسائل المروام والمري أو تعديك كان كان ووية الله على ووين عن الديدة - والتوين ال عال وبارات

عديد ترجيد الل بعاده تاري مع بالا يتن من بعداد مدك كس الا Lyoutede Stop. 2 mint fre Limb & Str جويرث بها كه وما بشا . فودكيل مي العداف بوقي . بليدك وال يقي كن العالم والمعرف على المالية الماد معرب بيتر الله والمكال ولك ويون ين كون في الما يع مع العردال عد ول كالمراد تعاد الأي يش ولاد تيس مال يدي تو دول كو كالدير على الا و تعادرس الد كالم يا المراد ميد تع عرب الدي الم

ما عندون كريك إدرى 6 دي ، ومرى طون كر الله الدر اكر الله ير الكريل ووكو الله إلى كالغ بالله في رقى وزوع سع زيان تقدود مار دريان بالدينان من هين -اين جزي كالمكاول بار عالم عاد الحريد のしていかのかのからというはあれてれたとしたこと مرور تنس مارس المسائد عدد واس كالمعاقدة وكر اسم - があれいとくのいくはいいかときころいかんなん مسقال با بي مدل بادي ا دي موق متين حمدمت شكل بن نج اي بجولول

ي في فتي ، الأجر ويعتبت ويعودة ل ص مرا تاريني بركا كالي يى ويتى . يسى السريون ركستى برق يسلى رنگ متى الك للشري يو كدامانيا

الله لا نقد فيزل أرقى تهازيك الأحنى بالتول من بالمرى كا في مين

والما الفاكن فاردانا القارا تصور والا واي تقيل و تكان كالإساعات كالدائي فاك الروستوال ومن ركريج الديس عبرى بن ويتى . ول دول عجوى كريما في الله الله الكرواب والوجنين وكا . كازكر ل عن مرا الكروعي ت داب عدى تلايراك ي الكرن الإمام مرع في المان

206013-30,206126888888888 يوكن على-ابساد مريد شاوي كاتعاضا عند مري بيرسي أرب كي يرباري يوفي يتي بيونها تاميد دهناه هيه بيون كالكرناب ترب زاده برازا というがからいかいというけっちいかかんと - E - 4 perior transfeld with moisis

لات ويل بينسين بدال يقين ورحال الروائق - ا ع فالات اجتول ك 24 2048802 12 12 Best يُول في الله ووليا والني عمل مكامها الديري نسبت اللي ي يرك أثن اكد يل ويجعا هذا ينؤما لله تحييل متى سام إن جبز لا ساران كريك تنع . كي دويه كاورنكر من وب ك يسيدى تأدى لانفرد ، ك عا . راحكد ابا ال من جب شادى ك إلى يرك تا تين ور عظم ميك الله ال

ودرول من ول من فواعش من في التي سواه مرع ودروا كي عورت الوان و ايك - 25 11 5 52 12 int 4 1 2 1 1 2 2 1 1 1 1 1 1 1 2 2 2 مرے وولالے ایک مرتب میں اور الراع جنوں مکیس کرفین کا دو ادا ایک کو ای وحرال إلى مناب ما أن وكل بوق منا يد مناس ورا وداما ورك دوزمن علامة عدا تها يبزومين الأوكا الدوالا يا وردماوي الد العراد المراد ال

المواقد عي الخاطات ي المحافق المركب و فاق بول كويك المديمة اولك في حالت مير عيدل جن : اعلى الله . الله وي الماري الدي مدت ي جد له تك برق معدم بول سيس . ملکا ویش کرمیب تک جات ہے ہے ان ایپ کے گوری ری مجے کہ فاہوم يها يو الما يكسر ترجد من الله كالكريمة من المري كلية من ما يا وما

ور مادی کا شا مناویک ان سے فرا کا نے رواب کستی بول اس وقت آن ليزكون في كرفست كن م وك مصموري رحى . ال في كري الحادالي كا تحييل من كي سائل عددى مرجها يا- آخرب دوت كواين في وكل الله على على على اللها عبد كمنا الاين والله في المد في موري من إلا الله مي ويان سان رخايد ع - الروات مي وين برق.

علاسا كالحدادات زاود عرف المراك المراك من من عِيالًا وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَمِن كَاللَّهُ مِنْ أَرْ اللَّهُ مِنْ وَأَلْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ اللَّهُ مِنْ اللَّالِمُ اللَّهُ مِنْ اللَّالِمُ اللَّهُ مِنْ اللَّا لِمِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللّ عاتی ہیں وجوعے جتا کے میں نے اور دست کا انگر مو میں کے اور ひがかれといいのかられんからいんからい المعيدة كارواليما ون الحد عالى ركوس الله ما دكول وكا والاد أل بل معرف عد المادو و المعدد في الدي الما كان ر الرسان المساق المساق

المنافعة ال

در جازی خواند که روید در دورد ما در انوان کور کوری گیزی کوری کرد برگذاری که و تصویر برای می این می است. در در م موسوع به از که روید این می داد و در این می داد و در این به به این می در این به در این به در این می داد و با در می در در در این این می در این به این می در این به به می در این می در این می در این می در این به در این می در ای می در این می در این

المارنى كور يوري الماري الموادي الموادد الموادي ( الموادي الم

 تيس كرم دفي اليس مخركيال وين .

مران وثن مداحب این شد چند ان با بسید آن و آن و آن که آن و آن که کاره و آن که کاره و آن که کاره این مداحته کاره خشند آب سد مداحته طبیعی و باشده بسیدی بسیدی شده برای که آن مداکستانی بری از گوشتانی مداکستانی بسیدی از موسائی بی کاری آن کیستانی می این جانست بری کیسی این بازی . این در آن کیستانی می این جانس و حضرت با بسیدی این بازی کار می این م

4 L offlet of Lig. BLOT KOND WILL SENS LEW Z SUB 3/1 LV

که او کی زوک م که سیدگرفتان ده کیستانی او دادهای افاعدی کرده شریعاتی با از می -جهان این سند دی این کنده دی جو انا از کاری بیش . ای میمودی ای دیگیویی این اسالت می سنت - کریدان یا سیای میشوان بی این خود در ساحت کار واقعات جهانی چی اندازی وال دارسی بیان یا کی شدت .

ہوں ہاں وہاں وہ است جاری ہاں۔ بیرا طال بھنا ہی بیان ایک جوں آتا ہی کیسے مجھڑ دوں احداث کے بعد بیکر حدل کومیں اس کے بعد میں ادارہ ہوگا کہ اس سے بدطیال بھا ہوگا گھڑ گیات اوراقی عمل سال میں بدر برقی کی کسی سائٹر نگا کے گئی آگی آئی میں سے

جرود با که در سندانشانی ایرستان و دن برخانی اندایی بطوط یا گاه . مواه اداری به برست براید با که هم که می مواند به این می مواند به این می این می این می این می این می این می این مهمان از می مواند با این می مواند به این می مواند به این می مواند این می این می این می این می این می این می ای معروف این می مواند به این می این می مواند به این م

 <u>١٥ زفان</u> : (جَاوُلُ ) بِي برايش مهران من من من من بيان جهران . وي و منظم من العالم من من منظم ما رائد الحريث من منظم من منظم .

المنافق المنا

الم المساورة على المساورة الم

کلیں آگا واکی وفت ہی نہ تھے ۔ ایک ۔ " جات ہی کا جات گاری کا اوات گار ہ ایک ۔ " جات ہی کا جل ہے بھا ۔ - اجا کہ چراس یات کرمانے دد ۔

مین میں اور کے کہ اواز عیداد مثب ادال سے گوفت ہی کی گرفتان کا مشاق آر ایسال بھے ۔ اِنے دو بھی رقے دہ کھ

لاک تانائیسیال کا ما قرآسی که اید به به اید و به به رخ مها رئیمندگ که و دوست سرای کرگرده داری سدسی کری ندی که برگرد می که برد فاقع رود داری برد که برد و برای که برد و برد که برد که به در که برد که

براشته کرکے این موت اونفی ہوئی بخواری کا موت کے دلواری وی افاد مثا از موتی - افتر یا وی فرائد شید بدال دی کری مرسته کا کا وی مدت کا کا وی مدت کا کا وی مدت کا کا وی م کا ادری کے مختر زور سے مرسے کیچر وال کا میں بلوگان قرید تھا کا کا رواد کا روید کا دورید میں مدین کا مدین کا دورید کار دورید کا دورید کا دورید کا دورید کا دورید کا دورید کا دورید کار دورید کا دورید کا دورید کا دورید کا دورید کا دورید کا دورید کارید کا دورید کا دورید کا دورید کارید کارید

الله بي بين الحالم الموضوع الم والموضوع الموضوع الموض

برانع برقام او سد جان کافت در بریازی گیادی گذشته بیرانم برقاری که در بیرانم داده بیرانم داده بیرانم داده بیران بیرانم بازی این در افزار خواری این که سده در این این که داده بیرانم در بیرانم در این این که بازی در این بیرانم داد، اقتیان بیرانم در این این میرانم بیرانم بیرانم

المساول المساولة الله المساولة ا المساولة ا

ر برخ و : امس الا الا الا در م الرج اي كسان عبال الا الا الا الموادد الا الحارج الله من الله بعد المراد الله الإ الان ما ما كالمواد الله الموادد الله الموادد الله الموادد الله الم والدواد الله الموادد الله الموادد الموادد

جربها کے دم تھرے کرنے۔ رورون : 55 کو کبررے : رورون : "مان ہے! ملحنہ من گوش ای یا دان کا مسئول ہے ، وارداً گا وورون یا جنو والا اول کھنے کرتے ہی یا

ر قارر خان به عبود لا ۱۷ لوار کنند کریکند جن به به رخمی به میترد میرود برای به این به میرود کرد. و داد و خان به این به میرود برای به این که برای که

12 Lancule 400 61 36 51 00 576 65 650 إنتريب الإياب لاكامال بود بوگا . كين وي جان كو كيفت برن هج ابي الله بحادث كي جلويم معلّ على الدكوس الا كالنيت بول . جب وودوا مرلاحاميد، أَقَ أَعَالَى إِنْ أَلَى كُونِيلُ. السيماول عام الماجة أَعَالَ ع . U. S. U. S. E. E. S. می وائل مع است انس ار اد که دعقال .... entitle . if ild it folding ... i ك درين والى على .

المعرب مي أو ال كالمنال وكناني ما وي رجب حسي ول وصرب وال فاك بيرى أو و تُحك بالأمر عال السكام - ت اروحد ذلك والاه المرك كول كي قراس في له كور ديك الي في من الكور و كوري كوري كوري كور و بيت دياك دوسياي ترويات. فالمورث إلى المتذالي درا جريها ها . بال جريدة اين ال كوايك باد ميرونجها قداركب إلى كو ويكها تقاء مي كوايك وقعدد مال كوالموى عدالك دول وقد عدد مدور وروال داديد استاما خال ورام الكرات عالى الكرائية

تعييب بدائي وويرون الله وي وي دي . تيبيد دان دات ك وقت والاد فان الثادية ودو غذره ومسويك ودكاكان بس مراير اختيادي واجكت كماي ادد بر الله على الم الكان المناعد عديد ما تداودات على يط معت كود عول - كدائها ودرجي مني . موت بك رويدي في الآ آوي فيل آياد الكسيدان يوالك الاست بركال دى - مواكف في يرتب يحدث ودرك ين مكتب عرك أو در جرد برد ، الدون في ميد ديل و الى فيق قباد البدرار دوا تقا - شند كا يوا على دي التي وي الأي جا راي على متوثري ودرك مع الكنوُّ واردن كا رئيست. بتما - نكرونا ودفال الى فوت مع كيس مرا بلي كا و الديك إن رهير ولد الاستعالا ك الك الك الله الله عن يدي والك عن ين المدر ومنوم كى جواد توسيده باكولة اللهاق مي المنوييل . يك تواي لوك بازل تعك كيد الى ك اجد ايك اورا 10 دى آق ميال وي ميزى علي -مر من كالمعان ع فرودورقال اور يخل كى بالال عدي الما كو أن على ا - Heinentow but a Be you ة إيس أن كل أواد من يسا ومن من الريق . الريان ان كا وكر موارق الله

مرزادتوا ماصب وآب محجديكان مايان دفقا ويده باند تقاجان يرى وات فردي ك د كال متى أحيى وك مادريد وه مكان فقا جال عد التاجة يك من وه والله المراكل الله من من المعرب الم مِنْكَ رَبُ عَلَى وَرو مِعِنْي ور العَلْي مِ اللهِ ويَا ين مَا تَعَادَى التِي فارْ مان ك المال الاروادة كل بروا تعد مروى وورد و تعدد ويد ي يام ارديد الكسنوي أموى اس يا دكريم كاسسال مي تصدير الكان بيونا ساكيا سكان of thousand in the Low me Lat of Lot. 12/1. 6/2 of a stay of the spile of the spile or Spile . 85×20626 となられいないとはいのかまかこいがからんしいという

فافرها صيدكة يدني وكارال ذلاغ مي الله كامي فريد كالحايين الما كي المادوسيا في رفك أماله المايي عادى عركم باسترس ورت دی و اول کا کے کی میں ایک سفید تھیں ، ای کے جرے دی میل سام رى قى مىلى ، على كا دوية مقدر كساد ك متابع اكر شاعد وطيع مدين على ال نعشر برواين الماعقا . كرده لكان الالا مورت ماذ في اله تعالى · ルン・よといるなりのないとれ

كال دوش ب اللش إلى الله كالم من الكلب والمان إلى دى ال こととのなるとうかいっとととしんりょいいろう نان جال و ين چركى بدو دركى در السن لا معاد بركى و

ويرحل و- ويك بيكرماج في اين ماجراد يد كه والطيعول الماسية

" . 12 . . . 2 B

1700.00

والم وراديا و يزكان علايا

ويدركان عيدي في المانقاديا ده الريك اللي كالمفرى الاددواده \$ 634 100 57 10.3 546 6 14 6 15 53 A. S. x. عنى الص كول ديا. الدكوبابر تنان ايك أوال ما كمنظ ريرة التعاريبان الك أسال ويحيث مفسيب بوا . مترشى دير كم بديم اس ال كونفرى في ندك وي كورة عادم كالادرج الادري الكادر كال 

كة تقرير البي الله مرتابيا أن ش

d. 386 6,22 2 4 634 82 - Crown of Cong J. C. 24

المعالمة ووري المات يركي . أنظ ولي يركي تقر على الما كالما النب

رْجِ النَّمَا - دائعة يرب شا ورسو قال كيسما كيدوي شقاء كرافي أرحى ويا بمر 5.23x, 1562 4000 200 200 200 200 200 30 30 30 30

الى الدميري كالمنظري عي وان والت كي يتزان بوكن الى رامي وديا ان عي كالرق الى

على . يادول الريف عَيم الكنّ أس و ياسس . مير اوال من صمر العات ك

يژوي بهريندا گڏ. تيسري ۽ اتي مرت ۾ آ ڪريڪن ٿو پهريندر آ ٿي. روي با گڻ

دى واكن يركز برك ماس ۋاك كاشكل كى تادر دروراق داد اقى مي دالد وايقى

و ولريكة المراكب دائد كوي يون الرواي المهرة مبغراك اللها.

مالى يى د لى يى د يجى سى مانى مرك يى ، عدود ويو الا يميلى : يى يك

ماك ميد وب كرين آدويت كل ....

ي، ولا لك) ينظرين متخف واع أرب إلا كال ب إ على مد سيال على بر منين أيا وكان كل بحد كله ي منيط و دائل من المداري الكان جهاء يهما و الجعداد. على فرائر من منسب كرابر معين والاكان المسائل كان ويرك

ر چاپ کا " این واقع سید اور جرای مردی در حداث دول سید چه دسیدی د ده این سیمشود کشود کشد این داد که با کی هی در کاسینی برده سیا صب کم مثلی می کاری اداران یکی واقع کشود می شدند. که دائمی مدن الحد دهداری این می کشود می شدند. دیچه دیچه که که کلی داشتندی انتخابات

المن در معلقه بالأصلاق المن بالمنافضة في المنافظة في

هر يون والإدام والموافق الالكان مذاكرة بين فوق الاساق من المداكل من المداكل ويون المداكل المداكل ويون المداكل المداكل ويداكل المداكل ويداكل المداكل ويداكل المداكل ال

مريق من اسم من نامل محر له بال يدس ك اردد ال سيل دين.

الرم میش آباد مکنو عمرت میکوس بسے گراس دیا نے می لیسب برا وورموم برنا تھا بھی کا کوش ا دواب میں رہا فرق منوم بر الب یہ فاقی باز مورث کی دلیرے میں قدم کا کارٹے کے کا گائے آخرہ کا کارڈ مرکزی باز میں کا کارٹی کی جہت کھیا ہورے مائے کہ 130 فاقع باز میں جوائٹ کی گئی ہے کا کہ آپ کو پائٹ کا مائٹ والا ماز انجام کے جہت کا ساتھ مائٹ کا کو بائٹ کا کہ کارٹی کا کہ کارٹی کا کہ کارٹی کا کہ کارٹی کا کہ کارٹ مائٹ کارٹی کارٹی کارٹی کارٹی کارٹی کارٹی کا کہ کارٹی ک

1900 مائز الله في البيانية بالمسامل المنظم البيانية المساملة المنظم البيانية المنظم ا

مسیح ، فاقع ہو ۔ الآر - صدرہ فی ہو۔ میں کی احدود کرے کا ، خال ماہ بے صدر تے کھی بہت سے درجہ والاد فال کرسانے دکھ و یے۔ میں ان اسلام جن ، کرم اور دیا اعتدائی میں ارتزائی برکاری سے در مالی کا میں اس کے اس کا اس اس کا کھی ارتزائی کا

التاریخ درج براش ها کارا چدو ال برا ده بردید کو میکودید به این داداد تاریخ رشد از پیشان میک رواد دیم کسک میکودید به برای داداد تاریخ رشد از پیشان درج بردی در در میکود درج بردی افزارش مسرب در کشش میران میشود از چیم کاد و تاریخ در میران از میگود کرانیز ملوم بردگا:

مشیق البه بی دیمیتی برد است " خارستی بیان بید برده از ماد مرد و توجی به فارید شایلا خارستی از این اید با اید اید اید اید این اید برده خاط نازگذات سه مرد کرد این در داده فرد خاص این داد. ایرشن ایج دم کمک کل بینکس وی حذاب تحریر شد کمک کا

(پائیسی ایج ایم افسیاکل بینصود بی مندیب آدیب بنور مثلاثی ایری برخورے بر سی کام کو بالا و دیگرد کین ادرائی مسیونی و فاقر ساحیب سیاس مجرواتی دیست کی آب نے مناصر بر ایس میران فقری ای کی کشور برد از عالم ، مانگرد کی کی شود ساحت انجادی و نام افراسیدستا تقدیمان

قام ، حامون مين ما سائه الادارة والمسائلة من الاستان المسائلة المستان المستان

د در الایرها، جو کان کاری در یک . میلی و فرب بولا مودن کاری منز سے اس کردد فاصی 200 مال کاری در استان کاری منز سے اس کردد فاصی 200

ت عربي . يوك ا يه جرك و في د عدويك يون الوكل مال أب الإي مندن الحوالي :

آپ کھے یا میں کاری برق جس - ان گنٹو کے جدیرے ہی چوکیل کے سے افزار کے گئیں حسین - کیا یا قرامیل سے آف ہے ؟ - استادی - ات کوئی -فقر - فادما صب ا اشاد الله - در میریدایش -وتنا (مسلور - کوئ و ) انگ فق - ۱ در میری کی کوئی سے فی جنتی کوئ و از این گفتار

عَامَ ١٠٠٠ و مِهِ آپ کُول سے لا چیتے ہیں کول و مو اِ ایسکال اور ت کول سے : جونا آپ کر گئے ۔ استاد - دیک کے اندامار کول کا کہ ۔

بزولیت کا دول جرار باد را کونات دیگا . امستادی به بهت فرب بارکسکا داخل ما در این این ایک دان خواه فرو دین فلی .

ر کرنا هدفار کار در خان که در در خان که در با در خان که در با در خان که در

ا البريسية المستهدات المس

يني و " من ما المساعد عن المام المواقعة المساولة في و " من و " من و " من و المواقعة المساولة في و " من و " من ينايل و " من و الأولوج المواقعة المناقب المنطقة المناقبة و المناقبة المناقبة و المناقبة و المناقبة المناقبة و ينايل " منافسة إلى المنطقة المناقبة و المناقبة و المناقبة المناقبة و المناقبة المناقبة و المناقبة المناقبة و ا ينايل " منافسة المناقبة و المناقبة ک داری ایران ایران کی امر پرچین کسکتی بری ترک ما صب : خانج ۲ کاران کی پیدا برای برگ اس قدر دین آخا کشترکت هے مان می صب برخان اور ایران برای برگ گیش برم اظ رفتا که بازی برای میشون میشوندان میرا کارون برای گیش برم اظ این کے اور دوران کی بیشون میشوندان میرا کارون کی کسید این کے اور دوران کارون برخان کارون کی کسید بیشار کے اس کار در دوران کارون کی کسید کار میشون کار کسید بیشار کارون کرد در دوران کارون کی کسید میشون کی کسید بیشار کارون کرد در دوران کارون کی کسید میشون کی کسید

الله في المعادل المنظمة المنظ

ا ووران کے عشور کے علی میں کا اور جی اگر آخر کا فران کے مدین کا اور جی کا اور جی کا گری کی کا دوران کے کا اور آخر انداز کی اروزار کے انداز کی انداز کی کا اور بیان کا اور بیان کے لئے گئے۔ ایک دی اور دارس کے مدائلے میں دام کی گا وی کئی ویورس میں کا آئی ، استاد کی نشاؤلا کا

ر استاه الصفاح بين مي کوکوارا دي غيبر کا وزي کي . اتبا دي مير قانوارا مي خانوارمامي نه گور که دي اي بي استادي کا اند و ميشيد آن اجل غير ميمان با جهز آن اي ان کار در اي کار در ميان کي اند فانو در استادي اي کي کند در مي کي بي اداده و در ميون سه سري در مي ميدون سه سري در ميدون سه سري در مي ميدون سي و کار موقيد ميان اي سال که مي ميان در ميون کشاري بدار ميدود

> مستاد را الولاد غفر ، الارتباد الولاد الولاد كالإمامة والم مستاد ، المرتباد الولاد كالإمامة المالية المستاد وراكم كليمنيال بنين واله المستاد وراكم كليمنيال بنين واله

الم المراقع ال المدرسة المراقع الم

جي بيشتي - من دن سے فاتر اوا فر ان اور کا بيت بي الگار ديده . ايک دن ايسا الگان براكر جي ان کا ايجا بران - خاتر جي موجه ديي . چي خدتنا دي سے ديها گذشهاي مي گرف سے يا دستاؤيل د

ين وفرونت الأورنت الله من في في المركو ؟ يردونيس كالملل في أي مينيت سيديده مرى وت يد أن كادات いいいのけんれこうくどとかいかとしかいけらばられ : 3/ 000 - 1 10 - 1 ين فركت لا فخر عاصل جوار الأوريد أي بكيات ك الل يركز وجوا-いかいきといるかのいっぴ مدى معمد لرب ى فقتت الروامايا ، الندر الروا うじょしん いらんばらから、そ كر بيلا كريا " ما منين عمود الريعرف وعال يوصاف أ د تامر إ وكر إما تالقا ال - الدين الله على علادي دوس الما" منسومنا المعاونقد مقط كمن فقر عاكاتكيب وكدواه متى كضرياس بر " not . F. يِّن - " وَ سَيْك إِنَّى بِرَيْن - الصالح اب تين لاكام كدود" لك كويل بدق بين بيق الرطرى بوتاتها جيد الرفة يراسا إباكب. \*· おきてがとうしんから ع ف فا ود دو یک دمل منافق کارد مات تقریس ي " اعما منرو واعما نادك كد كاد " 2 US\$ 50 P.

مود معامل كراس والله والعامل كما ول كرو ل الماء الدرانا عالى ودواهت يى - اى كريان كاكون خرورت نبى -يم نيس ان ڀڻ جوڙھيلتھ ٻي طريلے گافرن

كت عثق دونا فجيب م أموزيمي تما كتب ك بدين ين وكان قين ادراك لا الله أو را مداري ادد بدات سب وكيون العراد العالمي المروا مدوات وإلى كميك

L 30 60 230. 20 600 8 Lo. d 2 626 3 plor. d يى جلادى .كى على كوكى وَدُوْكُ في الله الله كالب دوات المعدوى واليك ال كالمدان الله على وم عمد الأليال اللي فوب وحدا في على المدموة والما بى قراده كى مزادية محد مكاني الله الديد و القاسب بده ك يركاف بناكا تقا كو تك الراسيات الله الداليكي الداليكي الدومواي ما 8. 31816 SAC-MOUNTER. 8 8, 80, 54, 26 おとびとれるいるいといいかかかいれているいからのかと というとき こりゃといいとはこれがいいのいからかんり

اليم ولاك الكتيب الفالهيب الدعال فالل التي المس في آب درمان میں دیتے تھے ، ان مصاور بڑ ڈوئن سے رام تھا ، ان سے ر لالإبداج الكرم بوع اهفا بماصب بالرك وقات و يدون Chied the Lother Lyon of the Fill ENEL 20 7 - 22 No 18 16 24 18 08 08 24 18 2 والانتيال - وجن في العيلي يحيداني كالكريق . كما كار ورسان من على . أل مرزا يكيدى عدد شراعد فع مرا الا وك يدم تعالى كالم ي وهد بيك دا. كى لاك ج كافل القره ديك كافك ال غدعدا "

escence St. Zuchelomond & Solde

wer Lineson for oblice bear is はんないわればんでれていましまはいれるようけいい do Los signifores to Start Illorestep · 50 00 40 516 61818

لم يعلى معمد كالموق ع من وقوي الما ديا الما عامل كم كا き、でんしてものいっとかいっとといって、色色にん

". 52° - & ٥٠ تن كات ت ى سام مدناكه درفت عرومكون كي جب ورفي باذرال ال كراب كا ي جرايا اليكول ال والمن بام د حال مي الدونت عندالكم مالي الله であるいかいかんいといっとといれている عَرْجِاد كَا رُجِن وَمِن وَمِن وَعِلْ عَلَى لَكِرِ بِنِي وَيَجَالَ فَي لِلْ عَلَى والمناف كتر بي قاء وى معيدة كالمعيدة والمانية المن يري في وي صاحب لا ورفي جرو ميندكرون وروسي عونيا و بال الترويد وفروز من مدفقة كالمنظيال خالد بالكوليع الى يل

بره والاه در مي برق بردك ك ويد بالدى شع بست مي نفيل . والم

فعط . المله كال بر سال و فيكر عد فرات الا كم نفوى الدياسة الله من الماري الي وكان دائد ي إلا من عجب الكال له ديم بري عادة علم على المعالمة المعالمة المعادي وديالافر

دل و اوها دري ". 19 20 2 - 20 Pa - But 1 . USB C . 18

1. 10 1 10 cd 4 Vie. x

مجر مين رضيا برعيرين برنسان إلى برق يس د والوري ومو والله على أيل زوع وكارت تقار كر به خارك من الان الدي كان يوى وال الاكان سب كورود تنا . الرود بس كان ي といれていかいいいといかとるかがとんかい puriors de vide of de place as the corps فاغ صاحروى لتقي ومعيدي صيخ كوما تقا . كار فيصة اعدَ اجلت كآك إي البين لين علي . مؤليا و والعين علي بين إن المن بوا وي على . خاز 12 Sunda 1820 th. J. 3 1 6 - 1 June 311 8 mg 10 عيامين ورواية في ع قراب كوسوم ب كوير كالإ وركف لا العين لا الي دام ل من اللا ي

وي كندة المن المن المولاية الله بنا إليه الله المراس المعدة عالم

ایک دی مودی ماحب نا (اراح دب سے معزت نے ان کانیا والموال

المراقع المادي المواقع المستقدات المواقع المستقدات المواقع ال

والمناصب من المنظمة عن سيد تلك. الأسمالي الأسمالي الأساس من المنظمة ا المنظمة المنظمة

1 2 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1 200 1

بیکشن : آنه به قریج امیاکد : مواک حاصر سے آباد با شین ارتقا ایریکد (احتیانی) می خدمت در ارم بورسر تقا با این تقویز کردوان حاصر بدانداد کر کی ساز در سر ساز در ایریش در استی کسیانی از ایریش کشش کرد برد داراندانی تاری کا دادان مرد در کله بیانش کسیانی کشر در انتها نیز خانی افزانشانی

مصحف داد دود. گوچون که ادویدت می نیم که دوندها مثلیده کاری دویک به ایک مال چاریوسی که دویدن میراسی که نیم دیک بیمانه اعداد بروز \* کی چاریوسی مذمن ارسال کنید .

گرم زار کامانا نے ماہ بالاران اکسانا کا رکان اور است آجائی 'دون اولانا کا مان الدیاری بیدا میں متاز ایرانی پارائی وہ درون سال سازے آنا ہے ، جب والان موسیدیتی ہو رہا ہے وہ اس بیے برائے کی جاری کا نے فاق دونا نے نامانی وہ الانا ہے۔ میں میں امان مددی چاہلی کا برائی اولانا کا اور اور الانا ہا کی اور الانا ہے۔ دروک رائے وہ کا کا کہ محمد وہ کا جائے کا کہ ایک خواندیات

يه فريستان و با داهنده الاسك ما تدرير و با با اي اي مي مود. ايك نور مرزي ام من كار ملاحث خد خد و اي قعا . مرزي ما موسر : اي باد او مير جان اي كار كار مير مثن جيس . مرزي ما موسر : اي كار آو مير جان يا دو ير ك گر

يريون الادارة ويسيطن الدارية الدين المؤتران والم تيويد المنا قدت يه يك فط عدد المؤتر المدين الدين المسلس والمؤتر المؤتر المؤتر

آمِزَةً . \* اعدان کا الل کیاست یه \* محت \* هوایک بینم معاصب پدرال آبی \*\* محتوز \* اللی مقدم معاصب بدرال آبی \*\* محتوز \* آبی میشنم با نتائی معاصر کارتی بینی آب دیمیشن دامیری نشان \* \*\* برگذاری که چاؤندگی \*\* دامیری \*\* برگزی تر دیک بری کارو بازندگی \*\*

ي علاق كالمستان في موان كالمستان في التي الموان كالمستان في الموان كالمستان كاس كالمستان كالمستان كالمستان كالمستان كالمستان كالمستان كالمستان

نظر تیاست که آیا تھا اور نگ اور جار زی طوارت کافیات... میمورد گیران و پرکی اداکا با تھا : " اموارد آماد در گیراکی ایسے نیز کا دیکا تھا یہ " معرف و در محلک پر نے اکا میکا کی ان کہت کا تصویل کیے ۔ " اموارد - واراصاحب اکہت کا آل کا کیا تا دیدہ ہے تھے ہیں۔ دکھا – خرا ایسے کا کہد دوائش کردہ ۔

امراد - ق اجا اب مقرا ی دیدان می دب بری مرگ شت کو اگ

ما یک ... دا تک کے پیرشد ہم را آب - آپ رہا تھ تشکیلا . مواد رایک دوری دول ، ویا شیل دی میں میں آب دو میکورک آو موادی مادسیسے آپ سے اس کی جائز کی دی میں کے اور میکورک آو موادی مودری واسب میں اس مار ایک اس کا میاد کا ایک کا کے اس کا میاد کا ایک کا کے اس کا میاد کی اس کا میاد کی اس کا میاد کا کے اس کا میاد کا کہ میاد کا کہ کہ کا کا کہ کا کہ

ایر وال کے اس آئی میدوں کے کرنے کی برسوں جی کے بدال بھر گا جاؤ ۔ افا طرف ارت میروہ مشاہل مقد بات کی ۔ ویژو ۔ آپ کی جی کے سعت جن آبی ہو امود ۔ اگو بال کا گروم وزال ویکھا ویکی کچھے محق پرسس ہو گا گئی ۔

امرود سوداے انویس کا کہ بھی اونیا والے میں اونیا والے میں این کام جس کا آن وہ میں اب طروق کی سے مربو شامل سے آئے کے بدور کا کا انداز کا کا افتاد کا کا انداز میکار شدائے گا۔ وائل آن الدور کا انداز کے کا ادار کے اور انداز کا انداز کا انداز کا انداز کا انداز کی انداز کی اور کا انداز کی دور کے انداز کے دور کا انداز کی دور کے دور کا انداز کی دور کے دور کی دور کے دور کی دور کے دور کی دور کے دور کی در کی دور کی

وقوا - اورود بیر از نےکل درگئے والی ۔ امواڈ رایب ال کا ذکر زیجائے -دمیا - کی ناتیب مولکس ہ

ارونا - مَات سے -راحا - واقع کر نمیت کیا کری جزید دیا تر یا حال ہے -سے احداد کر بہت کیا کری جزید دیا تر یا حال ہے -

س بدال بدك بي بيدال مي يامرت با ق و سر كم تي كاف بام باد سام كو مردة الم كرك بي مراساسب. مي دف كو آي ابعد

يوں خينے رئيے الآ کے اقدار سے . ارسما - آپ اس طعل کيتہ الا . امراء - کو بر .

ائل - قرار برائل جرائل می است مرائل کے محرود وارکس کا راز آل

جيروه يا وسطن عير يا و اك اجوادُ - نے ميں اب جيديت كو دد يك - جا يّال اُنے كُيس . بِكَ اس وكارك جانے ونك -

الله - جائے دیکئے ۔ امواق مذات سے مجھومات دکھنے ۔

سے اب دیم مخترہ کائیں کے اس کی یا دیک کو مختسب یا دیک کی محصار مان ، مواڈ باق کیا شرکھا ہے ۔ امراد ایسیلیر ۔

س و کور کرمشسد او ال کو اور آل کو کسیریا و آگ بینما ۵ بلگی ادار به میست در دور به یکی رئیم انتهای کردگری ۳ فیریه ۱۲ مواد برای میش مراسب کردگر که برا فیریه -سواد برای میش مراسب کردگر که برا فیریه -سواد این میش مراسب کردگر که برا و این میشد سرد کارورک می برا میشد کردگر که برا در این میشد برا

م وی داد کریا و آن امراد - ایجانی کن پر کست تیزی این از کریت برناصاب ایستان داد دین سیم مرکز کریست بیز یاد آنی

کے میں واروقی کے میروی دانو دئیا او آ آن کوا - خامہ

امواتی سے مقتشق دمش وطیر یا و آ آن اخترار بر میں مسلمین کرا میں ہے۔ انہوں بر میں مسلمین کم میں ہے۔ اموانی طوافیت ہم کا رشین احتراب سے شکھ ہے کمان میں اس اس طار آ آن

رثوا - چره آگ تا بول کرمپیست آن ج دمت پر ید بینا پاخرسی پیش اددیم دیا خشز دمرانا طرق کید سعد - جوامی ام بری گلزا دمی خراب جی بر به صدی بی بر گر اگل ساده فیلدیمی بر

د البار عاد واحسب براخ به قاول آن که دیگر میزند میزند. ای طرعت این میزند المساعی می مواند این میزند میزند میزند برای که داد این میزند از این میزند میزند می برای طون به این میزند این به این میزند این میزند میزند میزند این میزند اطون به این میزند میزند این میزند این

صاحب في داد و قاب عدة التالي على التالي على التالي على التالي التالي التالي التالي التالي التالي التالي التالي مرحت بالا كان المسردان التالي التالي التالي على التالي التالي على التالي على التالي على التالي على التالي على مع التالي ا سے ہرچا ہی ہے ہیں کا کی رنہاں بادہ کی گئے دو مرہ چائے ہیں " اور چنے ا س مرجی کے کا کا تائے کا اوس و

۔ '' جو دل کے عظم کے تفایق کا وصف جمہومی کے ریز دلتن کا درائی بلیسر ہ بیرا ۔" بری بھی خزل ای طرع میں تن گھڑوائے کیا بوڈ موت عظ ما تفاد

دن علا امراق پر متعلق چر رشایشه کیا فرب کباب : وی اس سر امران می کیون هی موقعت می کرد چر چراف کا ایس می موسای افز امراق - اوران خرب می کسیس می است کی تحصی نیزان ملات

کی وی مود میں مدکل خادہ کا اوریتے ویکھانا سے تھیں گھرٹے کے اور اور جانستیں، وہ کہ کیے ہوا ہم جمہومائٹ ایش کا کیا جیسہ سے وال موج کیوں کا انہوائی کی توافیش ہوا۔ اس میٹے کا افراز کا دیم کے مواقع کیا ہے۔ کا انہوائی میں توافیش ہوا۔ اس میٹے کا افراز کا درگان کا انہوائی کے انہوائی کا انہوائی کا انہوائی کا انہوائی کا انہوائی کا انہوائی کے دوران کے انہوائی کی انہوائی کے انہوائی کا انہوائی کے انہوائی کے انہوائی کے انہوائی کے ا

چه با دریات در درگردگی ای نشود. روی به دریاست کاری که بیدن به این نوست بر خان ای کارس شد که به عاداتی ری سادن ایش که بیدن خوابد در دانده برای به بیش می ای خوابدن طبخه ری سادن ایش که بادی این در در و توسیق می بیشین می بیشین می بادی در دری عدد را بیدن ایشین که بیشین روی در دریاست با دریاست می ایران ایران بیشین می می بازد. که بی برای بادی سعد به بیشین می دریاست که دریاست می بیشین ایران می بیشین می بیشین ایران می بیشین ایران می بیشین

در المساوية من من المساوية ال

こったっといとうさいといういいいいいいいいいいいいいいいいいいいいいいいん

رمنون جائية . ٥ امرية - الله أكرارون عن المحول كريال أسل بالاب إيراك لي المراس . يركن الله المراس الله المراس الم

دیگان \*\* روی - \* اچهار این آ کر کیل خطران اکان سیدیوا وقت دختا فی کیگند دیری - \* اوراکههای کا کیموری از کیمی از کیک گانه \*\* روی - \* اوراکههای کا کیموری از

ري و " اورآب كا كان بي الماري الم امريق و إرفياطيت آر كيد تصرف الإيارة ومداري مارة من و " الإراسيدسات بروياد في الحافظ في عديش الا الماريات الإراسية الماريات بيان المواجهة بيان الماريات بيان المواجهة بيان المواجهة الماريات الماريات بيان المواجهة بيان ال

ام ہوڈ۔ ' ڈٹ آپ سے کوٹی کوٹ کرسٹ کے۔ میں ' دورے کنٹل ہوگا ہے کہ انتشاہ ' بیٹن ' میں ہے دک کی کا کیے ابیز ہ ' بیٹن ۔ ' کی کا طربے ہا' ابروڈ ' کہ آپ کے سیکن کی جارک کے ایک

مرز کے مسمور کا کو کو اور کا کی میں کا میں ہے۔ مال میں کہ اور میں اس کے اور ا میں آتا کہ اور آن کی کا دار کا کہ کا کہ اس کے اس کے اس کے اور اس کے اس کے

وراق الرائع كالمارات من الا والمارات المرائع المواقع المور مدارات المراقع الم

ميت ." امراق و" انجدا يك والدائم اوراكي وولك اللي الدائك العوادراوكيا .

ي يعاقى با كداني بان بهو مسقدت گان كن يكسارك اداني سرود الباريد بسرود المستار المستار المستار بسرود به بادر با مستار با در المستار با در الم

خفست که واقی آمد گیریش - دره گی زیم به جی برج - باگرده آمد پذارف اند خریب به ایک بیم کی تضاییه چار چار خرار گیری مست - ۲۰ بیر گل این که مهدت بیم بری مناظر منطور و ایم می کاریس - میزای که دادگان - میرب با کمد این این مشاکه بازی مرجی این کدوکری - میزای که دادگان - میرب با کمد بری انتشاکه بازی

ر الرسالية مسائلة في المؤلفة في الراقية في الرقاق المؤلفة المؤلفة في المؤلفة المؤلفة

ود حِن والبي - تكب معالى ولا إلى من راكاركراي ولا لي كذا ل كذا ل الرقعة

معالد عن كل يرج فلاه يك تام كارى فاريس تنا ع العرك يور

دايدا في دو كليل في محال مكا كالفائد وقت الدوياع ديد داما كا تفار

در بیما به در می این در ویت بیما کسید که به در می تعاد با بیما توان که با این از با در می این این با بیما توان در می این از در می در می این از می در در می این از می در در می در در می در در می در می

ر المراكب والحراف كار در بها اداخل با وقد برسه باد قد اگر با بديد (20 كار الله به كليمان كار الله باز الله الله به باز الله بود الإسراء كار والله القداد كليمان كليمان كليمان كار الله به باز الله ب مراحب يشكل الله باز الله الله الله الله باز الله

الدولت وادر على والدرج

د از ه هم را براید به این براید به این ب به حافظ به این به به این به

نظیرهمایی به کنوان ایران ایران و نگره دید که بیسته با با و ایران به نامه با به کار ایران با در دود. والدان نیسته این کار نگری کده دسته او دیگری مدرس میدن نید از کاران کار واکد شده و ایران و میدن به بیسته واژگری ایران ایران ما میدند بیشته ایران ایران میدند ایران ایران و ایران میدن که ایران میدن میران میدند بیشتر و دود نیسته و دارند می واشته میدند و بیشتر ایران ایران میدند و بیشتر ایران ایران میدند و بیشتر ایران میدند و ایران میدند و ایران میدن ایران میدند و ایران میدند و ایران میدن ایران میدند و ایران میدن ایران ایران میدن ایران میدن ایران میدن ایران میدن ایران میدن ایران میدن

ولى مورائة بكوناني الإلى بدلاسة بدائع تمينون ريمان ومن اعتمال دول في كل كما ي جاران والتى دول المسال الإلى الإلى سدرك تتضربها ما ي المهام المهام الموادق الإرام الله التوجه الإلى الموادق الموادق الإلى الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق ال كالمسال الموادق الموادق

ے موسد بھاری کا ۔ جی میرا جات ہے۔ ان پر اجات کے اس کے ان کا میں ان میں ہورہی رہند ہے۔ اتفا وی باق کا ان اور ان کا کو کر ایکٹ کا آدار تھا۔ سب کہائی مزیدوں اول کا جنال تھا۔ مجھے کھٹ شف واق ۔ اور بنط نیستان کیاسد گلاب ها ادون در جامیدی و دانند. که ترمزای کی بردای که کارشد خدیده کرمزی و دیا کسیده هی استان برای به برداری کسیده کی اید نیستان به خدید که سرد نظیر در مودند شده شدکده میس مرد مدید می نیستان به میشان در جامه با پیشری با در در خدود ایران میشان که در میران معاوندی

المراح المستاح المستح المستاح المستاح المستاح المستحدد المستحدد المستحدد المستحدد الم

مِنْ صاحب، أب مجريطة بْنُ كُوكْم مِنْ الصِيرة تشدادرا ل طالع يى

ر شی آماز گار خوان خدارگر برمزی که برای و الای به بازی کیک در در در گذیر به بندی کیک در شد و گزارتاندگار میزندی کیز بر کیستان اگزارش ایر برای گزار کاریخ میزندگار بیدانگ میزندی کیز کر نیخ کارش میراند بیدانگ میزندی کیز کر نیخ کارش کید کید

کے ایست اور اور دی برچہ کرنے کیا پائیس کی شدت مدید کے کہ تھات کی اور اور دی برمات کے دوں پر کشن آئیس ایس کا فروق سے باق کی وصار اور دھار پرسرہ ایست کیلی کھسٹری سے دورا والڈھ ویلیٹ پریکسٹون کی کھٹڑی ٹرین کارازی کا بوال ، ایسٹون فائے کے ساتھ تعریدی کے گورکئی جاتی ہی میون کی کھٹ

ے کا کمنا کیا شکیاں وریدگی ہیں۔ یہ کا بھارتی آبازی آبازی آباری کا کھیا گئی۔ انگری ہے ۔ معزاج کا انتظامی نے انسانت جزایا ہے کچھ یا ہم براہ تھی ندھ گا مند متعاملات مسئور کی درائی اور انتظامی برائی ۔ مسئور کا برائی آبازی کے درائی استعاملات میں بھارتی کا مدین مسئور ہیں۔ جزیر درائی اور الزار ایرائی میں مرائی استعاملات میں میں میں میں میں بھارتی

گروری کان برای اراب ایران می میں مفسسان کان چک بیخی ایون عمیس بیان بر برای کر کفت کے کر بالیانی مواج برای زندگ میں میں میں کر بالیانی کا دران مواج کی برای کوئی زندگی به ا دولا نام فران میں واقعانی کا دولان نے کا برای کا دولان کا

امرال . عراب حاجة زيونا ب حديد كا خاذ كى امدان كا الإصادر فارض كانداس جرو مب كجديا و أناجت قرب اخياراتها كاف ب وعدا - كيف وجرائرات الان كاقدارى ايدي فالكرس فاكتي الداني

به آب الخشف الذي الدائمة لل إرساق الا في يقد الزياد أو الميسانية المدينة المراقبة المراقبة المراقبة المراقبة ا الماذل المراقبة ا

ترزوش درج سے کیا ہے ان افزان ایر خوش ہے ہے گئے تھے ہوئا۔ ووڈ بیان اک کے جد سے چراکھ کرائی ہا کہ سوائی کا میں ایران کا آل ہوئی موٹر کی جوٹ نور کے رہے ہوئی ہے اور کا ایران کا بیان ہوئی گئے اس کا موٹر کا کھی ہے کہ کھوٹ کی جانب نے اور کہ ایران کے تھے دوسرے والی بیال کے تھے کھی خوز اوال مائی میں موٹر کا کہاری ہوئی ان کیا سے کہ ان کا اس کی موٹر والے کھی کھر دول کے تھے۔ کے مائی کا موٹر کا کہاری ہوئی ان کیا سے کہ ان کا اس کی کھر دول کے تھے۔

هرست نظر آنین و اور ترجی برگذاری بر نگیری پیشان برد برد و برد مثل جدور الدرسان اس از اصلاح برای با می از ایران برد برای برد می از ایران برد برای برد از ایران برد برد برد ایران ایران برد برد ایران ایران ایران برد برد ایران ایران

ر مواقع المراقع أن المحلفة المن المنظمة المن المنظمة المن المنطقة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المن المنظمة المنظ

ره بر عدد کار او داد که این این کار برای به بازی با در این که بازی کار برای به بازی که بازی کار برای در این به بازی کار برای در بازی که بازی کار برای در بازی به بازی کار برای به بازی که برای به بازی که برای به بازی که برای به برای که برای به برای که برا

・ かっとんいっていいかところんからいけ اجراف لاكرال يعرفي على ويول الشاك التصدوم والمدامك وتباغ Jestilist of the con freshire the the felled in one is the real is his exposed ع يل الان عالى . من وع يز ودن دو يلاك ك . كر برى دوان امير جان كالبديات تقيل و فررشد بالسيمان بروان وي تكيل بير المة ك كوفا الله وتعاليت واستدى عداكس وبدر علي ، ادرول لا دكريا ، فالمعر ا کا در کان کری می میدادند ملی رجای دی تغیی . رجاحب کا کی ا تَعَادِه احْيِن بِرَى لا تَعَا . هم درت وا دي ان تخط ركس بي بنك تقا ، اعيون عيون عزب أنك تع . كان شيئه ألو تراع . فالرك موات مار كمنه رويك أناها fund and and and the state the month of کی شید کھیلی مونانعیدید ہوا۔ وال دات ہیں دیتے تھے ۔ کوئی وو がりかんにんらしいのいかいんしきこれがあるか بول زمن والمت شريط مي الت رفاغ صاحب ك الدر الثالال بي تقرر ابدالات كان واصفر و تنا الركود الدا كافرع وست تعر مع و شاكلنا

المنافعات الإساسة المركزة المستحدة المستحدة المنافعة المنافعة المنافعة المركزة المستحدة المنافعة المنافعة المن المركزة الإستحدادة المنافعة المناف

ظام كالما تذكف نفي كرم فازوا وي تقيس افر كارو الاان الناسب

مينايا. مرزا فمرحت الدُّريِّك

فرمست المقرق المقرق المثل إلى المثل المتداكات ما حدد المؤتف الط الإنتان المقرق المتداكن المتداكن المتداكن المتداكن المتداكات المتداكن ال તિના મેં છે તે ની માર્ચ કું કું કહ્યું કહ્ય

ے بھے والے ، دوبالدم وا کان مولان کان سے کا باؤٹ کے بات کان انداز کے بھارے ہاں تھا۔ مجھی ادارہ کو بروائم پر ڈکٹے کی تائیہ ہے ب بارشار کا رہا نے خانم الدوائر کا ال کان محمد سے بھٹی کھی کہ بھٹ کے کہ اور کے کارک کی ملک خوان ملک کان اور آور مراز کے مادار نے مطال کا بچا کہ الی دارے کی اور جا برگی کر فرونے برائیکن

ي در بني معلوم ايد ينم وگرفتي بود، بدن ان مكان از اوقت بد هيگر بدندون و دو بين را بي ايد بدن از يا ايد ندند. و مكان و ان مدند تر شد بي در اگرفت بدن كه مكاري د آن و موان كهند. فهر كداش تركزات و انتقال ما بدن با برا مدادا ما ي براي مدادا كار اي برايد. بي دم فوج كارك المداد و انتاز براه و تا سه براى براي انتقال ما برايد.

جى ولى يرتبي برتا جى يا تا ب كاتام جراحكان بوق باقى جكن بلت アンパンしのないいかからなられるいのかりとといい ل گرى وى ؟ شام كو بادى كى الد شك أنظر الكار دارى ك دفت الاس مى بين عيا لك الله المن عاصيد وواست مخ . او دلكي ادف حيد والعلاقين مندق ما دری کیل س کے دخوری دائی - ایسان سی تالفاد والای م مرك بون عرب كومشن مراة 10 كار مد والدماس قل الله 上がしとしかとなったのはいっというというがりがん 505654262631260 10 412 62 61.8 وعيد وما عد العديد على المداكس بدي الرواع عدمان الع الأركة بعد يوا - والكاس كامنا قت نا مري ال أيا ما ساكا ما الدي Lungaria かこいができ、老の人といけしことかいる

والديك وعدود والديالية كالماعد عدى عالما الكراد كولها في المناكريد بالدي للكريدي في على الله على المنافرة ال ميل من الدين المراكزة الله والله المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة ودمرى فالمعا و ووا زول في المعقد فق والا يا المفترم كا و يا يميد ودال كالم Hope was intended it is the fire die in por كالراد فات واكواد الانديري وسال يراعل دويا كاب الكاكد وكالد いいいいのうしょのいろととっていんないといいというと عُلِدُ كُونَ وَلَات بِعِنْ وقت إيساج الوقيمي عبراك أرجَى بياه بواقية الوديرى أرباه والموس وامنت كالخبر كوركي البعل وقت والدوالدوك عظران الماق انست وكا كرد يكن من والدل ول القد يلي كان الله والتراويات عن وود الكيفل محاسعه فأوا والمعادل والمعالي والمعاري والمعادل الماري اكان كيفيها والخدوانا رنبى برد كن وي مدر ماذى وكان الد الماددون محت في الدول من مك والله على والله الله والمر المنظور المنظام لكن مير على احتياطا الح بها ذك لي الا على والدائري قبل برما ذك ق こいいしんかんしんこといいいんん ちゃっとのいいろい こらこれといるとういいかとりがなりがいいいい

-c. 27 6 16 18 18 19 18 19 18 -6 25 مرديا يدكه مراسال ماتوه يل غ الله المدرا ووتدير يديك عيوال الكود عاك الاستار و يا كاميال المالم من من من من المالية المالية المالية المناسبة كاسداقي " الآلة الداديس " ودر عرو الى الف عر " فيد ودهات والمان مي كي لا يك منين برت من معنرى أو محيد . الل يع ذواندات عرف كرا جل العاولي " عمراد اليدوا دان الكان العطارة ال ع المحمر عدي أن يك واحتاران لات المقالة في كاب ين المن ولال العرب العارض على تقرب المال الما protection of white send Sich fie News

الاستدسيدال الدوائي مل مل موالا عدد دومرى كن دومري من من موال مند موال

كالكفاكي ودعاشا كالمؤني في والديسي كل كنازي عن وصداله بك كربال موتما ويي الم كني بنس عالب رال كمفاين cherter with a der than of the fore to it is the first in it. بالهودان المداحة المالمت المتفوق عاديها بالمواجعة وأعاد المداعة المداع يرمني فورتفعيل كاوف راين ائي مطافت لاسا تدبنبي جواثق واعاك الماشاب لبيت الن كريكين بالى معتمران كريج مي وه والماعد و أن ب واللف しゅうんんいいいいいいといいけんかんしん فقر بين الراكب و الحيد والل كالمالا الريكت ب. dierologo of outlos well in copies

مع قطع تقوير في على حلى لهاد أود مما وراست المحيد بالى دوباكاب ود الله الناء اخالاً او الحادث إلى حارث إلى التي بي ولي كي ول عرف لفتكري استول كرت يس ليكن مرن ماصب ابني سرية تخلف الين مفتحان المعجارة بمن الالتان في كالكافرة بن بريانا بومكاله المان والعد بداير ما كنت . روا أن اخا وك والبورت أف ت مغيل ودخيال كا دست وكريا ل بر ناغ مت انذ بگساک خوانت بی ر اب مراك كادر شروا كاق مقايين كروند اقتامات شي كريتين.

## يم اور بمارا المتحال

بناب يُريز ما حب اسلام عليم- ذوك مرحم مزا كمي يس اعظم تركام فيوري المداعة بن كالادراء عدالادد جعن الساك ولياسك اركي بواد و يحق بين او العين روالي ميلوكو . يك يى Experie Liber de le monc de selfige عددددمر عدك ليدولزي الأدور فال كودوما جول عاي الخريد Library to language so in some file word one who of من من خالس كا تصده برك - اوراس كى الخاصت كيماعترى دما وبناوه ٧ لاترا يزيولا.

اب يە دولىن د غار دولانى كى ئىد ئىتىلىك ، دولان كورىك يى يەج یں جانے دیکے جوافی ماحب اپنے رمال کا فیاد کو بست اوی کھتے ہی 

## تعويركا ليكسأخ

100 ばるばれるはいがいいい からかきしてノングラグ اخراق والماكار الب موي مري فيل إلى الدال مالكاب بديد والتده ملامي ويدينه والتول اورم جاحة ل وكلتا جدار ع ل على التحال こいかかいかといいいいけいべんかというときによういん الى كى كال أل عنى ، عد مد كا دي الله كا دري برياز يك تفادر درب ことのかいとものでしかいらいかりかいかんかんかんかん こけいのではいいとはればればいるがあらられいいい

عيان يتفود في ويك كريت الحاق عدة اور أشاك وجدورات كا والد ال کے مع معادد مال محمد على إلى ووج ست كر الحرة كا بن عالى الحال وجود عاميد عراي المفاح والعالى بالدائل يما وكي عدد كما يدا المراجعة قرائي قرفاد دوريد كيدان وعدد ال Cypalacorine, ELLY ZER, HAM cuts لا المحادث عندي كالمصلى أن منده مندا بين بين كما وو ووالمستشق المع والمعلى الما المعالم و عالى المعالى تقريس شاك مركباه وركة ي عرصناي مدجا على قبل موا رخ اس كرد وكرا

مينان كل ع كانون في وريس الله الله الله ومع ري 10 و والعاجب الوجيت د يكام ، ينرول كأهل عاصل كه ١١٠٠ أكان بي داركة و ديا في كام يدوا في عرائد ندي ولد في درو من تعاريد من فين عليه ما الدر صفر ما . يك 一日はいいこのとがされんはかいのからは色までいる بول بلقريع ل يكنشن و بله و د بكريا د نبي ريا كاموال كا تما ا د مي شرع اسكا مكما أين يرس ونفط مع ودريع المصال المازوريا في الدين ولا في ي يعتمعا ألاقا أديك الدي عدارتي كشاسك التي المعتد فامياشي وهد المين عادت في بالمب من كالدين كما المت يرادان مِن يَى إِلْمَا أَيْبَ عِنه وروى كَاسُاء عند عِنداناهما و مِن ل الكاهد يرك فرائل مندم كرك اورز الإدار الله وهاة وها ووفيد في التيور وياجات とのかといこのかとこりないがんいかんかっちないの

المراكدة وقدرا فرج الاستان المال المال المال المال المال المالم المال ال لتا بوليا وعدوا والمؤلف فين برك دريق وكا عداي يركي الأعمل صاحب فيرزي في الايلام يكاوي المان ال his isolisil and a fil & a profingues

extonde expired 18/102 polover ك كالرياق للريدية ومراكات يرا مزيوب كالويدية ، فارا الفان في كوريد معدد عدد كالله الله على والم الدور الله الله طوم الدرمقول كالموت التي ماقال أوي محد من جنس أثاكر المدافر ا والقدير الم It when it is weepen to a the pot Sound لاالله يشر را تكيس هلى و النول ف ال والقد لود يك الله والكادوان こかしなりいかいれないかけんかんとればれいいなる 16,200 46124656675560125454542040 いることからいりしたからでんのものはれるとうであり からはいいかりからというというときいるよりなないとう

مرت كاج المراب عديد والالك المرابع المراكة المرابع الديك و يك

-1 544 18 0 26 70 20 der. 87. 0502 18 4401

المرى والمقاد معدوا والماليات والمتصادي المالي

on in Lodden toda poto solo 14 - ou

الإنا كا وافي - فيراً مع برير طلب إلى في والدي كان إن يوم ليو المركدار كروه محال من اللي بوت ريال إلى مست علين اوريش كاثر الله الله الله المريش كرا ي كريد وي كرا يو والدور والله و عاديدور ليك على يحدوم أيس المرويا مري المرك المراك ادويز و مكالية لین مجدد کون الاز و دست کاب جب بہت جرے راخیاں تھا ، شایدی Toko & A. H. inch Belganiin Very Los きんかんかんしいこうかんとからいいれること كالمعالد في يدموم بواكالي صفرى البيصده مسكوت ود وال عالى ي

explosions order and financeses 2016/1/2/topice/ 10/2 10/2 10 10-10/00-0 المحالات كرو عند ورت و عني وال مفيد والمناف الدائد يد ال Be plustones cition 1 willed والمديد فلك معرسك في ويذكون في غديدون عيد المعنى المنش アインステンとのアールのはあるといっていいかのかんから はながかりからないはこれはこれはないというひにときころ الما المولاية أمازى كروب المفرو والموسكة. عاب درسون عديث كال في منطق والل - إلى غدال من مها الطاق ألاهماس كا ع إصلى المراح أله و كالدوكة من غدراف كالرجاب

المدرع مل لا كياوات عدد الكراك الدكرا كي علم كان على على

Junite a se or of a secure the sold اديات كروع الالكاء وادروا التروي والمناس 145んりのはくしは色といきしんかんりいりまれた できれいればんかいいといっちょうかんがはいいははいかい いっといこころのといのかりこうかとがなるはな كالمتع والمعالية المعارية كالكافرين المادوا كالمادية a such step site on a id is a substitution ين في المراكم في ووا الله الله المراكم いかないとりはとりしてんこうりんとったしゃのかん of sur for Lor Felind E gent girle with قد عدد المعاري الألا الم مستدال والما لمعاب سا のうことはないというというというというともにどられ وعب مى فعدمال كرمي تام إلى فا دومي يما برجاء الى يمتر Exemperation of the office of the Contract of the

Jel Portulating St Jeward المنت لم والله المن الما والله الله المرادة والما المالا Luthalkattundin minnet der ten table so in the with reads of Stiller

And the property of the state o

પાર્ટ કે પ્રેમિક્સ પ્રદેશ કર્યાં કે પ્રાથમિક્સ પ્રદેશ કર્યું કે પ્રદેશ કર્યા કર્યું કે પ્રદેશ કર્યા કર્યું કે પ્રદેશ કર્યું કર્યું કર્યું કર્યા કર્યા કર્યું કર્યું કર્યું કર્યા કર્યા કર્યું કર્યા કર્યા

The state of the s

اداك اورك في المعالم اور المراك المراك في المراك في المراكزة

که ای عربیت بردند به ۱۰۱ شده ماس کهمیندند من میشد بسته بردند که این که میشد بردند بردند از میداند میشد از آن در داد با بردا این افزایر این از گردند که با شنمید با در میشد بردند بردا بردند شده به داد بردند چدستان کاست دن شاه ۱۲ میز چدستان کاست با در شایم گرفتند و که مهمیریا بسته داد و شده کرافت

ەمجە يېسىدان دەست ۋارة تصوير كا دوسرائرخ

چ فاتلا الرب احتسال بالنظرة الله المنافرة التنافريد عن أمي أو الإنوازة الديوازة الديوازة المنافرة الله المنافرة التنافرية بيران بديان مده المنظول والمنافرة المنافرة المنظرة المنافرة المنافرة المنافرة المنافرة المدينة المنافرة الله المنافرة المنا

بي فت ين وينودوك وه ( بازال كرمان درائة و ادال تنوي مركفين الماريد في المعامد بالروم في دو من وي وي والمدينة في بين م كون الله المعالم الله المعالم はいんりいがんから よりいってもりのこうといれんしい والاس كالم المائية و براضا كري كيد المكورة إلى الدي المائيل بوكار المر ما رائي . ماري كرون مات في د إسمال ديمي تشكل في ديك و الدين مال how scing outer a con world هران ما مكان كرا ويد شارج دست . نكرش ميرى ما دره مداج يكني عن التريق الم الله معيدال كامر إي مال كاف والد كر يم يعدو كالإ الماك ال diemilalimed will Eston Guerrick is Mulley devines to Variation tours かっておいないかいのかかっているのがなっていれるして V16181218-18-518:20131 8654 8032 والمراقع المام المام المام المام المنافق المام ا وديك وقردت وفيرك إلى كالك لها الدياول ميازب والاعتى Ul write the with report transfer. We grave

chows town 19 3 property a forest of

الما كالديكة ودم ورفيات دها علدهما مرونيها ديود اكد المكل .

といかっといういいもいかいんといかいからいといういん

Lower est? Low leave Low

میں رسیست ما ایکن دخیرے ایک معترے نے بات کی درا کھیے وال افراد الکارکا بات کا کر جا فاصاحب یا ک دجرے و برے دایس بر کارے

لَهُ - أوان مجالاً من كويس عدائي ال والدين بني تلاف مد الفاء الله

ensity 2/14/12 proil int. Lucy

rr Distract

يديراك أيا تقاريد عدارا وديك كريا فيكر بجمام كافعاب ابراكول OF JETALIST TON ECONOMISTS كى ديا وا كالحاك يكان الله كا ندوب جو تمادك تاف و ما الله بو older of 85 Vor to of Cair enchangeland دول على على عاجد ف كماك منهي والما مراز منى . الرائع دويروال كدف = ان كاتم الى روك يتري كالشكرم اوكرواد اكد ووكر العالية تبار المصب مندا تسري المراعة في وسد رقم عام ف والأل الاقت را ي كروم الد ما کا دواد قرادے ای احمال سے کھی جی مکدر کشی ریوں کے اوران سے م من كدو تاكر مين كم كا وورياد كاو ماكيا يكن ال وكلياد مدال سرق وم على و ما تلاك و المارس الم المارس الماري مع الماري الماري الماري و الماري المار الديورون في ميام بن المال ديدو عاد فراد و دعاد الماسوم کے دان می فوال جو کردها تنظر کی روز افتار داند ما دے صوبالا دی وو نا دون ا لل على براكاري جن فال ين دول جن بي جود أروا وراره صاحر فرون ك ことかいいかいはいかはしいかはしいかいかんかかけいかい المان نے كا مان الله الله الله والى بروائى كے مال تروا الحركوس سے الله ي The is a second of the second عِنْ تَصِيل عدد مِنيد وعاش ولكن ما ق منى راى عرصه مع طرب لا وقت مركبا راه : يره عن كالبرجب محمد وها كم إلى الله وشات أو والا كام ووقات إوآ تَعْ يَرِي تَحْدِل سَ آلَوْ جَارَى مِ كُنْ . لَوَالِنا الكَانَاتُ مَنْ - ال خصيب ميرى والت وتعيى فيلف كيس وإن شاوين وهاا وقت ويفاور بيب الله ينس و يعلي الله وها كرفها الرك كما يا مروال ما رسيداري مرك ال

مش ار المحالف كرواى و الله و يعلى بنين المناف عاد شروع المواك والله

الدمير عام الركائي في الديم وال حمادة المرة وسي الله في الله المراكبة

محاليتي ذكيا وويرا إ فل يكوار وعارصا مسيكيان الخاور اللاع

المستقدات المستقد مع المصادات المستقدات المستقدات المستقدات المستقدات المستقدات المستقدات المستقدات المستقدات ا والمستقدات المستقدات ال

كارسائ فلات ويندات رجاي من اجاروه بالأل كارمام على كارت كوكرود ويوا شراحا در الدوم المرا الازرائي من روز اللك يا رائي عددان كودها في عديد معالى وي عديد على والعالى والعالى میں کے ای معیدت میں ما دی جزائر کا کاسے و مرمعیدت ای داما یو دخيدے كما كان الم يستاي وو وكار عن نے ابرے مجن كا وكا ور كا وال كى برد كدوروست فود ركير - يا بادك تشائل جن فيهم ديكيا قيل كه در كى - قر برمال من المك مديمو . إ رب العالمين الصعب بأك كالمصرة ع الكرير الت عاد الدي المراد الدين الماس وعد رك التي المراد الدين المراد ا ﴿ ربل كِيما عَدَى ، من كم ما قد وليا موك كوره من الم أي أي التي وال تقوير والدو صاحبه والم الدائع و على قرار ولا يشيخ عرى . يحد على إلى الراك لين المرشاب لي كما كما أث المن الماست على الله على المراكب ملعب مرى دقت ر درد كرك و فوا حاري كرن أله في الدور الدورك وورد

ير القول به المساق الم

ی برا برانشان بسیده ۱۵ در سالا ، دورا دو ۱۰ دارا دورای آن براست میداند. آن با برا همان خدرکشید به میزاد دار دارگذشید ۱۳ ما ۱۷ در دهاوی برای که درسه کید. میرود دری وادرای دادرای دادرای که را بساله میزاد در این کیداد دورای کیداد در این میزاد در این کیداد دورای این که دادید و توسید بیره جا آن مددی آن میزاد از این ماری و این است دارد که ۱۲

دلیے وہیں ہے بھا آنک مدکن آفرین طراحت قرائے ہے۔ خطے مراتھ و دور کے کارٹ تنے بائل قرائے گھورکای آئوں بھے کہتے ہے۔ کے میش واراد ہ در کار تو کار افزانگا که میزان کارد همای سرد کو به بازی به نشدگارد بستاند. کارد بر که در باید تا با فران سخان می کار ایم کدد به خدانین کار کیگرارد. وی که توکیل بر منافره کارگار با کندر که در این از میشان به میزان به میزان که میزان می این میزان که میزاند سخور وی کار کار کارد و در فران میزان در میزان میزان به میزان میشان که براید میزان میشاند. که این وی کارد برای میزان میزان در میزان میزان که میزان میزان کارد و در میزان میشاند.

مالالله جرى بين دالي كاليك مشاعره

دا) تبيد مريك دفال مشاخ عن

۱ با با ۱۵ کار کارت براید بی ندون مواد با این مان کردم ادامه کار مواد این بیان بیان مان مواد با می کارد با این مواد بی می مواد با بی می مواد با می کارد بیری بوده این می می می کارد با می کارد با می می کارد با می کارد با

کردهایی می دون بر است که کار اور شده به این می می از شدند که ماه تروی شده است ۱ هم در به که که که آن تو که که بازی در که دی که ماه شدکیک هم جه که که کار بازیک در به خادید ان که کهی می از به که یک شرقی تا جی برق کنوری با یک

لْ الرائد كُولَ الله فَقَ يَكُولُون مِي حِنْسَ أَوْ وَاللَّهُ يَعِيمُ إِنَّ كُولُونَ مِنْ وَكُولُونَ مِنْ اللّ من أولاء إلى الله عن المالات المال

المراكبة المعادلة المستواط الموسية المؤافية المستواط المستواط الموسية المؤافية المستواط المستواط

ر مناه که ایران ایران می افزان که در به مهم کاران که در می می افزان که در می می کارد می می کند.

ایران می می در می کند به می که در می کند به می ک

ر مراحل برخرار الدور في الله و مراحل في المراحل في الله و مراحل في الله و المراحل في الله و المراحل في الله و ا المراحل و المراحل الم

مادی استوانی بعض بدر انتخاب انتخاب انتخاب این مواند یا می دود شدند آن آن می در است فدار آن می دود است فدار آن می دود بر این می در این مواند بر این می دود بر این می در این می د

در و آن برخ آن از کان کار در سر بیشان که نوع می میکاند برا کریستان آن و این رکان ما سد به این که در میکاند در بیشان به در میکاند در بیشان که در می میکنش که که این میکاند که در این کانشون برایستان میکاند و برای که در میکاند در میکاند در میکاند در میکاند در می میری شرویست کمک که میزوند شدند که میشوند شده میکاند این میکاند کارش نیز بد میکانگاری این میکاند کارش شدند به میکاند کارش در ساخته میکاند بیشان میکاند کارش شدند میکاند کارش شدند.

「これにははいののがこのとというからいん」

المساوية ال

مرزافروشالذيك

میں پرس کرے نظافہ اور کیا کیا ماہ مردا کو جینا افراکیا

يراكم كم ادين ب ين إلى بت كالبيف والين و تصر والد ماكان يكاف ألك تعرب واقع ب اوريفان الوائد وي الريا على الم is in it is it would with a Size is the eng. يسا كالان كال كال كال يوك جانداد طبط بوكي جيرك والمصاحب توايك مرمي ما ميط دراه الأكرك ألاروى . مب منبط عليه بالدادور كم على とりになったとことがないとうのいいはんがまるかというこうい كسك دوق للمها ما كموضط ويرسه والدبوق الدي وم بعدا قصعمت إلى ا وجهاده كالم يترجد ويراكي يتداك كوارات ي الالانول ال عيدالقط مكدون مدايرا مرك تعلوانيس دوفال بزركال كرا عقول برقى السكن برين فيد عده ورفا ذالى ميكودل في ولايت مردوا . اى زاء يى ولى LPSY & 628 A DE UNLY BERNYOU ين الله مرى على الله من المريدي على بالديث عيدة وفي عن الله مري على الله 1. Pande alany is it is ale day & this はんしかがらかりからからからいらればいていてんとはいっている كالمائي على بريكن الغلب مال كاع شارد إلى الله يوك الوريسية وقد عي مع رجا ادرال فرى يمدل في كالروى منطب مما لى مكن يرود زار ينس شاكا في といいましかからいかいんいれんいしいしいかん بعد المراد المراد و المراد و المراد المراد المراد المراد المراد المراد و المراد و المراد المر

الله يراني عراق كالموركة إلى كذهرها يدر مكن معن معيامها بالبيض عنا روين

ه ما در مودند به بیشته با در کار یک می ادار اند ساختان ساز فردگر در این ام با بیشتری می این با در این با در می این می این می وی بر این امریکی می این می وی این می ای در در این می این می

در المنظمة ال

د کلمک خوابی برخ ایرانی در انتشان شرخ کوری آن ایرانی که به در انتظام که برخ ایرانی کار برخ ایرانی به برخ ایرانی که به در انتظام که بدوره کار ایرانی که بدوره که برخ ایرانی که بدوره که برخ ایرانی که به مهمی میشان به برخ ایرانی که برخ ایرانی که برخ ایرانی که برخ ایرانی که به برخ ایرانی که به برخ ایرانی که به ایرانی که به برخ ایرانی که برخ ایرانی که به برخ ایرانی که به برخ ایرانی که به برخ ایرانی که به برخ ایرانی که برخ ایرانی که

ال تصفر من بين يستيك بيد المجاولة والمثلة التحقيق الميلسون المدينة المدينة الميلسون المدينة المدينة المدينة ال الميلون الموالمات المستواري الميلون ال يعتم الميلون ا الميلون الميلون

کرد " تیجینزه بادل ده شده ام بخصد ومنشادگالب دیده ام پنگر کلتیجث ان آرایجه و داده ص کی مثنا تنارگر میرید

ا من الدوليل المريسة المريسة الإسلام المريسة المريسة المريسة المريسة المريسة المريسة المريسة المريسة المريسة ال يريسة المريسة المريس

المدارات المواقع المساولة الم المدارات المساولة المساول

المراسية المراسة المراسية المراسة المراسية المر

به ووی این به خاص میداند. به مناطقه به میداند به میداند. به میداند به میدان

در انتراک کی کی با باشده نامه میداد فرخ که سدید و ارتفاد میداد کا به فیزان کی که سدید و انتخاب کا در استان کا که بیش که در انتخاب کا در استان کا که بیش که بیش که بیش که در انتخاب کی در ا

ر المراق المراق

الكواب الإد الما والمعالم والمعالم والما الما المعالم والمعالم المعالم والمعالم والم

مانشان کان ے جی میں تنہے سانے وہ پرق ہے اورج قدی بورے اللہ

the property of the property o

ما سبة كل ترة عموسه بعث ألى بي مفيد يوكا برق و وكل عمل بيره ال

ى كو الكسادة ، الكون على إلى الله المان المستعلق

シャンシャンいの トレインナルリンクランシーモニスン

المرك ادراد معامد عدال الميك الرايد يك المدن المان

ان جينارا والمنظمة المن إلى ما أو الإنسان مسكر المواقلة المنا المناح المواقلة المناطقة المنا

من المنظمة ال

આ પ્રાંત કે માત્ર માત્ર

مانت سرای به ایران در در میرسدی با دیشه امتفاد کرد. بردند. میران میرسد که ایران به نواز و کیران کارد این دانسد ما صدر بدند شکا درج میران میرسد که ایران بردند و کیران که در بیشتر آن اران با در بیشتر و بردند توریخ میران که که میران که در بیشتر و در ایران که در در میران خان که مان کافک ف بخود با ق مامي علوا في ادريل مي بكن بدائديك في كن وكن وكان المطروع שווני בייון בייון בייון בייון בייון בייון בייון בייון בייון صرت جان ياوسوس كادب بالاوم بي فاسلي المايين قال عاص عديدة بداسك فرع را مراواتها وبرا يوادات تسوي كالما الم خرارالي التروي والت فيه الحاوي بول أو إن الركب وكها معزت - 11·15 2011万1 22100000 1377 الله وي من وه توليد يوس المعفرت الل الذكونيس وكلها مهاد تد وبست غيت ميم المي تسليا جره ويزى وكاروش الحيس المين كالإلاميت اعرى واليدالي كروى والاورادي - يا سوال ال بادود والرياسال رقت مر مثابي . جدى والحاص كلون بيستم متراي دا ده اي Sidy tale level Frienco in 2007 ي الأولا بياه إلى تقاريم ويرج إلى اللي مكن إوج ويروز مال المالكا بث & Assessment LIV- Fr. W. W. Wood wall destination stratelier is in it is المشرقاد في برف على السديد من المزوة ودوين على إب لاتعور ولك يومل عدال المن عدا إلى عدا المن عدا المعلى الاستيدان عن كويد ورزي سويرة فالا المساولة إلى الد وك يعيد من وفال في إلى الركال الله وفاء من مدال

وافلاد دارید کی نام دوس حاید کردانده گیرد گرای دانید به شیخه کا وی کار این این که در میزان که دو که دانید کار داری که این این دانید و داری که این کار این این که در این که داری میران به بازید کار این از میزان میزان که دارید که این که دارید که دارید و این که و این که در این که در این که که دارید که در این که در این که دارید که دارید که دارید که دارید که داده میزان که دارید که داده میزان که دادید میران میزان میزان میزان که دادید که د

دي المنابقة المن المنابقة الم

بات طروعت امتاطر مستار فرب بارستارین المجدد به گارانگذاری کارتو استاری فیس کند بدار و چاد که بود برای امتراز کست و میکند اور شامه ای استاد و با استاد و با این کشور اداری کارتروز از این کشور اداری کشور بازد این کشور بازد این

ان کا کا فات این کا کا تیست کا گلید به این کمی دودن نشد می کمی درای این می کمی درای در در در در داد کا برای می در داد داد می در این که می کا برای می در در در این کا برای می برای می کمی کمی در در کمی می کمی در در کمی می کمی می وی می دود خوالی این که می می داد ما میسید و در برای می که در این می که در این می که در این می که در این می می می برای می داد که در این می که در این که در این کمی سازم می که در این کا می که در این کا می که در این کا می

م دا او که این که این می المانی به صور در تاخید در این شده این این این می اداراند. باز میدس و از مهام این الفت این میراد و میلید در الله به بیشاری این که این این الفت این الفت این الفت این الفت میران این المی این این الفت این المی این المی این المی این الفت این المی این این الفت این المی الفت این المی ای میران از این المی این المین ا

તા કો લિંગ કર્યા હતું કરો કરો હતું કરો કિંદ કર્યું કર્યું કરો હતું કરો હ

در المراقع ال

ر بر نیستان است هم نامان از اسبان به با میشان با شاخته به از میشان بر این است در با میشان با شاخته به از کسید ان با در مدن با برای مدن با برای میشان به از میشان به این با میشان به این با میشان به این با میشان به این با این میشان به این میشان به از میشان به از میشان به این میشان به این با میشان به این با میشان به این با میشان ب این میشان به این می این میشان به این می این میشان به این می

ل النواحب الوي ي دو عدد أو ي مان عرد رعية وال عالى

Ederit & Zoumist Silver Backer

ين رقيق بيما النهاجية المنظمة المنظمة

ا الله بينيان قائل المدسنها الله من الماسكة بين شاول الدينة بعضه أصب المهادي الله بين مرتبط من منظل الانتقاع في المستقطع المستقط المستقطع المستقط المستقطع المستقط المستقطع المستقط المستقط المستقط المستقط المستقطع المست

الله في الدورة الاصطراع الدورة المنظمة المنظم

المراقع المساولة على المراقع المساولة المساولة المساولة المراقع المساولة المراقع المساولة المراقع الم

ر در المراق ا المراق المراق

ع اسيد الي الي النكيال مريكو فكروا عد ليد ليد إل النيس ال كراشت ادر شان ريم سير . كريش بي الكري دول المن الكون كا والحق راح راى العلام المراعد عدد المروك الني يا يا ف بدوره ي الله الى على المراكب على الله يراكب الله المراكب المعادية الله المراكب الله المراكبة الله المراكبة الله المراكبة المراكب ين عد مقال وينات في سيا ودكت اليد ال لين فيراسامني تودان increwinder on our chentlend يو شق و القري يكر بالله ديشت والل يس رفي الليدة الا والمدر الا ي 22 dry Balifor some Stream Be المركبية والإجماع بعيث دفقي اعدقيق بوتا فقا جاؤ امرة فيل المشكسات أشين 0834,1-22 07/0 Anos 8136 del. 8 = 25 たっとかりはかられるいんしいれんいのはない الحاق عدى الدادرا عالا كم مقداد بال مات عظ ع وي ك نهايت الاعلى إنى اود جامد زيد آدى تتعد جيد ين اودوادى مبيال ووول يت. ويرماس بارى وف موج برشا در كاد مكر ادر يدي ميان 17 SHURSHORD IN CHEST STATE OF 

كيميستون مي دوري احتداد كم حكوم استار بين الحرك كالمتحالة والمتحالة في المتحالة والمتحالة والمتحالة والمتحالة و وحد المتحالة والمتحالة والمتحالة والمتحالة والمتحالة والمتحالة والمتحالة والمتحالة والمتحالة المتحالة والمتحالة و

comprise per line of the period of a second

ياللول ولدوكير إلى المقرق المي أو ترفيل وركام ومكار ومينات القراري كالكام علا القرفدي في وجوائل ولهور صادر وفي فقر يذي ملي كامن ULBOROLINIESER PROPERTOR Listiscy Zowelkly KELondock しいがこくとがなしらかないときとれていいいい Locumbers who who is a color مرددرونيش كي في الى ع ع إلى ركى و الى على الى يا كالمان يا حكم الد עורי אונט אינט בעל בינוננים אונט אינט שני נונ للركي ليدود وبال كوركيا وينين فيس وال كيني الالاكيدون كا و فكاوي きょうしんのかこのはよいのかとといいき المن برة الله المراك المراك مرتبك ماد الله والكواد المراد المارية العرى ينود و تعالم جرود لى يورى لى فى . مك ينوس و والالكام الله ないがらえるひとりることのとかは世出しましましま الله من إلى إلى بعد بعد إلى المدين مؤل لا تام الله المعلمة عدم إلا لا بديا ( اور مورياس يور سديد مور كل على والله عدور واللاوم عرامات والمارات والمارك والمارك والماركة رعن لوتدري ع نصماد عرب الرسوري عاداد اله دالى まきましょうないまままれたなんしゃいころのと و نے بال کردوں کو مالی میں اوج جو باشکاری میں ایک وجودوں کی آ

Comment of the commen

ي هي خامدا ذل كرب د جرل جر في كشيّل الله ين النّمال بكن إيل عد

الدومة والمراجع والمراحة والمراجع والمر

المورد ا

الإنجازية على المراقع المراقع

સ્વાર્ટિસ સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચ્યુલ ( માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચ્યુલ ( માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક સ્વાર્ચ ( માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચિક માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચ ( માર્ચિક માર્ચિક સ્વાર્ટિસ ( માર્ચ ( માર્ચ(( માર્ચ ( માર્ચ(( માર્ચ ( માર્ચ ( માર્ચ(( માર્ચ ( માર્ચ ( માર્ચ ( માર્ચ(( માર્ચ(( માર્ચ ( માર્ચ(( માર્ય ( માર્ચ(( માર્ચ(( માર્ય ( માર્ચ(( માર્ય ( માર્ય ( માર્ચ(( માર્ય ( માર્ય ( માર્ય) (

ك برق والان وي المادة والمادة . ع الله المادة والموسوع والمادة بي المادة المادة المادة والمادة المادة المادة المادة المادة المادة المادة المادة

كيد خاط الك ذراح القال إلى الله المريالي المراكب الذار إلا كالرائد يس معاق على الكون الكون و المعالمة المان ا الذن محتى إلى تقابل بعاد سع كما ون المعندى الحقق م كركوس إون x 2 months programmed to the land to the dist of a stangen page in by the between the or or the fire of any is a funtage of ورائع فالعرب وق المادل قال دراك ومناوي المراد والرب برجيدي في المدود و دور المرا الرا و المرا المرا و و المرا ال

· as Sig Solitation فيب ذين العبدين على معاصب فيرا موكوب المطوران كويداد ويهاي مامد عالم إيال ما ايد كالعالم الله على الماري العالى كالله كالله ع يى من الدول الدول الدين الدول الدول الدول الدول الدول ما صبيع المالية على الماسي على المري المري المري المريد المرايدة مع معدد المراح ميد مع بالمري والعرب العا قريد المراكب والمعلى والمعال فاحزاها ويداع الالالكال ووالمنت كالمرددو لطرواول الاناب على عام الدعامية بين التكانا ودرك راي كواب ال فراتے اوں ال جنی کوں نہو ترحوی صدی سے مان کی توانس ہی کو می معیدی عدالك الك المعالمة الدور فات بايد . وا إ فقت أو الله والات ك وثما كليل و والمساعدان برياتي كرسكار تي أب صاحب فريال وتماكوليما الكري المال المال المال المالية المال كرهوث على المعاريف بعددة المراد عدد مانذ جرا كرزمان برجمت متادين ميلية كلد لا تلدان لا شار فقا . كر الستاد وو في كم تقدين مَدْم ويَصْلِي الله لا زُورُ و الرُّب كِيار رسي ذيارَ في الحيس و يجع بريَّ مِق الدر

型次によいがめのは、A. E. B は たいことには いいとのがあ تھا کہ تام مثنا مرے دیجا باتے تھے۔ ان کا اکثاری کا سکتا کیے۔ زانے سے کا بل يراطاي على معارزا على كالتدرية وفية رفة طاه عاديا وثاه كالكاراة الله المدرساة برقى دوان أو ماندي كي تعدى ليس المساتم كدي معرد مق مرم معرد الله عاكال عادد مدالي الاحداد المتراق مؤد ويحق و باك هديك دون باد شاه مع مت يدم و كيا-مع بى يسر توية بي اسداديني

こりかとことしんながらかりというのできかりと、からい 12 50 po) 8 y 64 12 31 2; 12 chizz 4 50

ابنوں نے فدا وف ک

مد أعدل كالإ عليون فيرضرا ومكدل من يدنيال بدائدوا عاد تأيدال يري إدفاه بروة ل الى المن المعالم من الله ماه ده الراد عام ل والعالم · 正正人はいからないのはこのころとのころとのころと

كا ماميد بيديال اقت يوالا البي كنون وكت الوالا وأل واليب يرامز الذي البول في جدث ما تب ال فعرية حا-الكارير إلات وش جال أو كل ود يات ونط يقد أول عن الله ميت الا تقار الما تقير الما الاسك المارال وع الراس العقال دخ يار في اللها عاد

رر ميراد دا ما فلاتسد كالمحمر كر في معاصب في ان مب كومي إلى الله إلى الله ابي ان مثل المراشان الله الله كالمناز على المراح المنظم المراك الشدر وينظ الناسي وال هوست مینت از داند. وج ای ای بی بارخیب مال ب کمی در والے ميرتي كي كي كي سائي فلص يحل أي في جلت من كن كالأوسن الديم strong with the con con det food of the よっかいというといいこととかとんといれてんびら دُلُون كَالْكُنْ فِي مِنْ مِنْ الله مِنْ الدرية و مِن اكثر الياجي جرا سن رُكني كَ مَرْ والني الدر باوكيل منت هياي تود البط قام ين ده خول راحد ذيل ادر ده زماره من دهنا ده الد ما معامد المشاري ما المناق كي كراك من المناق الما المناق من و کرفری بولای اف بر مامد ناکه انجوار و براند و براند I wanty war wow. 2 se to realized الله والمبرورة والكوسك والمرض وع فكانت تقرع العن ولط - en intervente des orvitables detections a die sit unitando ciso de se sunt اوای افوک اعلی معی مروی صاحب مدروالی می مذکس اللای عجیب الال أمكاري، عدم إلى ال كا ذات إ باكات غده فين ، واست كالثابد وكان والدين العالمة المراج والماري والماري الماري الماري الماري المراج · からいかりっというかかんとうなるといといっとのがしい。

عظم الاورة رك فيال المع إلى ذاذا إجب مك ماحب بها ورد بالدور اليور على بد الماد عد إلا كالدام الله على عاد كرما ميست والد على ひかいといういろいかつかんかいかりとくないかっかん بادى تېمكارى دى دى الله عديماد د فاد في براء س الله الدادة الالادة الإ الدواع على الاقتدال كيدية فام بنواها اليريسة في

على والمعودية المارية المعالمة المعادية المعادية

والماع وهوا المراح عام بعد المراس المراس عاد ما المراس عاد ما المراس عاد المراس عاد المراس ال

الله كالمناه المستناف الترقيدي ول يوسة الماسد إندى و عادةً فا

ي ما در الهوا المديمة مع المواقع المديمة المواقع المديمة المواقع المديمة المواقع المديمة المديمة المديمة المدي المديمة المواقع المديمة المديمة المواقع المديمة المد

المنافع إلى فحقوق الإنتيان والألك المنافع الم

سترة علية المان المامليم يستري استاد دول سے سے فی دار کیا ہے کے دی مور این بوائے من مرید ないとうないからいいいしょしいとうしんいかいかとという 第二十七十八日のからとうけんとりのかいいはのからけん المراج المراج المراد المراد المراج المراج على المراج المرا おおとははかかり 世中からかとめにいるいん 50 20 51 6 00 51 00 15 5 5 1 1 10 30 6 11 1 2 10 10 10 10 10 10 الى معدا يمن كريد التي من كان الماس كان الماس كود الله المكر المعالية محت الاعدائة تفر لف ركى ده مؤنال عدم دومؤ عرمان وكري とはといいたでしていまればいないないのでかいいことかとこい الماء لدا فا مي كيديد - فدورا ما عر والراعة بالقريد مدر مدر مدر الما يرة كونوائي والمعل كالمنظ والدين وال عيال ولا الماستاد ووق لاسكة いらいしてとかいれいいかといれいかいからかいからといいく كالبنان يواكر يمغل لابند ليست كرري أي سي تق ما معيد عالم اوحرارة はいいのかがかかられるときれるといれたかがなりのいのとか كالعن تليد مقادرين وف طرك درر عامقادادا الا ك فالدمك いんかのがんしいところというがんのかんかん و الرول على مع بالرى ورع بالرى الرق تلوي ميت عددود يجرون فرون ادوم ان كالان على بن - الك المناور عدام المناقلة

والمعادر فافر الاحرارا فريا ياب الدادر تعت راي

ولاركان وى عدد الله المرين والمرث والدي والمدرى والدال

رای و درس برسایی و درستان کا برای انتقادی با برای انتقادی ما به انتقادی شده کا به انتقادی شده کا به انتقادی می به جدیده آن انتخاب آن و در از موجی بی بدن بودن الاست از در موجه است. بدن و این این است را برای برای به برای به این به این

ے ضائع اللہ اگر جیست است میں مصید یہ سوم نوی گریں اوگا تا کہ فیصل کے خوج بروں کے دوکروں کا ویک کھوٹا کا کا فیسندیشن آیا ہ ہب یا معدکا درست میں مضالها دور ہوائش کھی ہے۔ کا اور کاروں کے اسمال میں اور افرائش کے کا اور کاروں کھی اور اور افرائش کے

のかられるようはのいいとが、こばいはしいけん こいくといいいるといのなるようなないのかんかんとう Lower wind will an car it will be a artificational polotosistico Luste destroys Vision of he gelote id. いんしゅいんまいしんかいかんりんかんといといこ ورضات الديكر ما مسبى كرمون سيدة كلعن التداري الذاكرير とのこととははいれいましょうようはいからからな ع الله كرواء عدداري مخ اوره زادراي فيرا الكريد المارية على بادر مناسبا إلى فروع فروع عن والان عاد يها والام عداد و 一つのかいかんしょうというというでいたいかけれんだけ مع تان عالم الله يكن فري والوسيل وي فريد المان على الم المائية وورون ٧ قال المائية والدائلة الرااكا الماء المارمام المائية いまはしいいちゃがこころいのいはき とびけらいる لوسنهال يحت يحرفه ويدي فلنتسب وكرمه بلك وزاؤك اوركو كالمكانك かんいこのんらんといんないなっているこうかん الرونا أوت مسكرت الدكما بخ من قدان كدمة كول على في المرتاة وكما のからん ちゅうしゃんいんかんはいいかしょうりゃんとし والام ي و الله التي يودي تشويل السنة واوق جي الدراكة . كام تليد الله كالماق الث إلى عام بعامة كالمعيد إلى إلى المرافظ في الله كعدد والماداد الله المراس المائن تلا عديد علام كرا كا مجرب والله

dentification to a popular theme

الألونية بالمقاب عديري ويدي بوسوم ول الأميان

was able the the was allow see

The design of the control of the con

شخة أو بعارت ك المقارى كم يرعد الاسب كالميث لغ المال كما يُلايد

اره کاردید آرید به این با در گفته شده با میداند با در با این به این در با در

به المشاركة مستوانس أراس أروان مي الموان و ما كالوان بالديد المداركة المدا

2249569000000

ر معرف کان بخود به این در این به این با بیده این بازی کان کار کان به این در این می افزار می رود کان به این درخ به این به هم این به ای

જુ (1973) માત્ર માત્ર કે તે કે ત કે તે ક

و شفا ندکر تر کی سال مدم خو کانی اکار و جانی کا جر معکمی کا جامب الجرو و کا ہے موالی می اوضار دیا ہے کال می الاست جارو و کا

الدران المنافعة في الموردة على من موضوع بورد هذا المؤلفة الإلالة من ما يستوي و هذا المؤلفة الإلالة المؤلفة الإ من مع من مداوع والمؤلفة في من المؤلفة في من المؤلفة والمؤلفة المؤلفة والمؤلفة المؤلفة والمؤلفة المؤلفة والمؤلفة المؤلفة المؤلف

こうしいりょうないのいかがんりょいしい

معلم بها باگر این معاول از فرسیک هم از بی به (بیند که این اطاعات می سه و هدد از میده این در شان معارست که که توموان به آراینه کسد و مواید معقد مهمی کردن برد و مار بیشد شدن به دارسید به مدر کیشندگی می مدر کیشندگی این داران توسید بازد را برد این ما در مادان میشندگی می و تعدیل کسار این می این از مدر می این این این می مدر می ماد

به و رئيل بال سائد - و المسائل في كان يكون في الانتخابا كون البرة في بالمسائل عدد الماسوع في كتابين. فرد المست بالمسائل المسائل بالمسائل بالمسائل المسائل الم

ار المسالة ال

ما آندان بعد المواجعة والديمان المواجعة في المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المو من المواجعة المداجعة المواجعة ا في المواجعة المواجعة

A Maria Mari

A Michael Maria Carlos Carlos

التي يعين المراكز الم

- かかりとこれがかけ

 ۲۰ سنون کا تاشق میروقت مرگزدن دینته چی ، کین اصوراز ایساندا کرایی بدز ... جداد

جادی در ۱۳۵۰ تا ۱۳ می باد که طرفه نمی بادران دلک به برای دلک ما که داده به بادران می این می این می این می این می این می این این می داده این می این این می بادران می این می داده این می داده این می این می

به هما در این بوده میداد و به در این با در ای

بات برطع برامد المصريب المهمي بين برائد عيال تواعل من مراد التي والمدورة بدادود و ل والمعلم لودات العد كالمدورة في الكرم المواجه المحرك المساعشة الأدب الإدارة بالسكون المساعة والمدورة بهذا المواجه المواجه المواجه المواجه المواجه المدورة المواجه المواجع المواجع

ائے ہے وہ اسابق ۔ گہری بادر دور اللہ بھی اسابق ہے ۔ مثل کا ارائی دوران اسابق ہے ۔ مثل کا ایک بادران میں اللہ میں اسابق ہے اسابق ہے ۔ مثل کا ایک بادران میں میں اللہ میں اسابق ہے ادار جدیے ہے۔ مادران کی میں دائر ہے میں میں کہا ہے امادہ کا کہ ارائی میں اسابق ہے ادار جدیے ہے۔ مادران کی اللہ میں اللہ میں اللہ میں اسابق ہے کہ انسان میں اسابق ہے ادار اللہ ہے۔

ن و الخواعی میداد فرده می صدر ایک بر مادند همی کردیندند نیز در دورد نام همی در از دیدند نیز از دورد نام همی در این اکدر این به این این در این اکدر این اکدر این در ای در این آر می در این آر می در این در ای معنی استال با باشد به آن برای گرد از ایسکند به به آن ها به مناسب به استال به مناسب به استال به مناسب به استال به مناسب به مناسب به مناسب به مناسب به از به بروسید به مناسب به از مناسب به از به بروسید به مناسب به از بروسید به مناسب به از بروسید به مناسب به

به سال می آن به می او با به هم این می ای می می این می می این می ای می این می

بالتانجي الأخيارا في المنافجة الموسية المنافرات المنافرات المنافرات المنافرات المنافرات المنافرة المنافرة المن المنافزة المنافزة

とうとういっているとのクルだっかんだりし

شعر سرائ بوال في والمراح ووالم بيك كيديدة أن الماسك ماول ت سال با وعاوياد جالك المناكلاليس لرى ال からないないのできるころいっていいなり、いんとかんしい warrows からいってどういまだり ر زام على تر المراحية الله و حال ا و ري كرمايين الحي - الد كاروس على ور ٧٠ ل جمعايا ، فول ديك ليخ فكن بعاكري فاطلا المان اللوا يو-Historial education of insufficiently ELS 4. 45 L 8 ( 3 x 24 p = 2 x 5 2 6 2 2 2 1 p c المن الديال في عاده الماليية بين الدولالهاره شي ياره أريس -HENRY S with Nederlikes differente viloria questica with the colises appearant out المساوه على الماسية الماسية المال المال المال المال المال المالية

مِلْدِينَ عُكَالَ مِو -ابدروك في الريض أنا دوم في إت ع. ال كالدودى الم الل جراف كروات ولا فالدويد الانوال. . الفركك بي عجية بي . الكي لنعل تيريدم الأسبارا متعريك وليث زيونا تقادانا في فيون س في كاد الماكليوا ادخوالان ع والانادا respectations

12 2 4 July 5. 5. مغويقا يحامد يطافور بوكي بالإرال واغ أضا ال عنالا Wichit Shiller こうかんかかかいしょいかっこうかかいいいいれからい ويجرامال تهاريروا معنب المعادي ( 12 Es : 1 - 3 E 1 1 0 0 x Vas come up is & color provide exchaptions 2 270 w 2 2 70 2 2 July 20 J. 27 00 10 11 251 22014/2018

مِل المراج عليه في فارت المراج المراج كالمناس المراج المرا Solo 2 x 302 Sol. 2 mis co 20 6 4 4 dine ك. يو ما دي من الدين المان المان المان المكري بي العامل ال وول المراكم إلى الما عدد المراكم المرا والعطاء والعالم معالى المالية المالية المالية المالية استا المعدد المثل المال كيال الدوي المواجل المالي الله in all where sit different

Historicanistan istomornation allow sale extraolo zuldou ×-ナモンと おとしたからプリャイヤーのからいとし المالادان الديمية المراجعة المالية المالية المالية وعدالا المسك الما على يك المنظل ولدي الرابات عد بوط رقو الني بونك ادركون د بوش - برعو قريد الكالى تقاريول يرب With the Kongle

SINGLESTERDIC

Proportion.

الكرافان يطاعان والألالا

employednite ے لیس وہ بالوہاں آتا جین العسكام ورا الل بالساك إلى الله يرسيا ي جدة اللي يرا الله المعنى ومد مناور مع الما وي ميارا ورك تعلك وإسداد ال مول مي تعدول -45/20 17/10/10 5000 melle 1000 10 DELINDESENT

54 LJ 63 2 14 18 Harrison Holes = Woody w (0) - 26, 00 - 50,000 - 2, 26 0/14 منى بى الريدة إساكريت دو يخفي بى دايد الرعظ بى أيتاب والنا & personal of with with the service قرب كرى، هون حين كت مكراب كان بنوم وثارشا و ولك الصاور بر منى كان عديدان ووود كل جائد وودكان كا كام ديد يك 

دعة قام وك يكن كم دوا كالله يليق ا فرع يادا عد ما الم المناس وووير المناساة Lecrosuse on Baldward fire in instruction of proseculty of posts ادراك م الحارى - كام ي و كام معاصب لا راك محكا سه والعاد و かいれたいんのはないまはんまんこうでもあるかの . 5216

يرى و فاي تجيد الله المنافظة الإلكاء والمارة كن يركول وي الكيس شاويريا 上 変ののかりから ك على يدي بيا في الاراد بدا على من يوا الديد يعد ب وي والداك وراجى تربيت كى اجدى نے منام كا تار بائد سروا فول جي تي -FI CHICATOR STORY FROM Mornie demis at indickers

troghiestron institutionalist and and working a land on the service in a law - CAROLOKOZ

من الله والمروض كما من المال المال والمال المال والمال المال والمال المال الما のうといいいはあるののははなりからいかいかん 

-35-07 of deprison to be このからいいんろうか osteral when Surdye & Je B or of Dollar hand Treustely const sococoldado. I'd I proposedy ords sincles will it children the いんからかっているないんいんいけんりんりかいんからん

بي على الألامقيان أوعى دانت ألدكيزت إلى الله والدي والت العق والعوم يم المن المدى الله كرسائ مرفى يد الدهل علما عدى الدهر بال كلا はないのかのとうとうがかんからんかんないと Lusting Soil & of of Salan 28 peckent كالملاص كالمخاري ري روز والجينيين مخيلين المسيد مكان سنديد المقداري تنواك والتي

ود افرو لے على مطالب دعلى ك الدكيا - بال عدام ب موفروع يك على مات i di Sin. C. E. Word I See - Spece & From こいかんかんかいからいいくはこのにていかられらいれて وتقي. الشيكل إلياعًا ول فالقاير . الاناكال يوجه وكوكرا فلايا 山はりとかりにはようか كالمنفير عدل في يُرفعانيا بادالان ملتى لكسست والمقسا

فيشهل بالترساؤهايا Sale of 34 50 2 way. يرمال كى شادولى شادوك يا دت بكر الراي ست قديد بى بدؤ الدي يكان できっけいんとうでんかんかんかんかんかんかんかん على عاد المعالم الما المعالم الما المعالم على الما المعالم على الما المعالم ال LANGER COLLE والماع المنافرة وال

& 10 Noting VZ فببصالها فالأناؤير Lancerie ووليفودور يراكش جهافؤش مسافعور عدوا والمالة وف といわいとさなるため المريت بين إنا آل الريي For Morrisian

ويست اردا دروگ أراضي كري تي KENCLOHOUS عدما عداد واورو وريد كست في الأول الديوليدي. نعاك ول جا كولى ع ك Six indeposition

drawadzik centrolly しずんがっところ تسريحه ولدفظ تذريتهاك مانك كمرارى فول ميسيس متى ميده مدك كدى توليث كاد بال اس كيد ع والمائيين ماميد كالمدين والاي الاي رداك سال الإستان ماميدي かかん ふん いしんでんない でいっか はれい かんしんりん

لإيدي فالجدود بالكاري المكالك والإكراء لما university is with the الوي الشريرة والمالك ومات الق كالمرابا الاست بوع براء والدرا تعاديد الك ماديد فرك واوا كال كروا فركار مودسته بدائك المرافع مدورا فلاي بعاد كاست إلى كاكراب すけないからんしゅかんかいからかというという المساك بوالى الراض اكالشرف ايك كعندت محفق من بعداد وكالتن ولك والبق 出しいいいのいのとのいときんとというというというというと

ك فرعه دين ك دور ي مارين ي دريكون بواز كي دار عق يمان 1001.2001のいいるからいいいはんないという 12からいとかしまりいのまとうりこいかいこい こうからかいかりがかれているととかりからいんのよう المال عبديت المال المراق للماريخ المراجعة Valle Stance

وها في بيادوو وكالا يداري والمان والمان これとうとなり人はいかんけんごいのはいける Somo of ulestance كبرعار ع عطوى الطيعاني

ときからいっというのでのでいかいいといかいかん ناك وعين تركيف منافق فلاء عنون تدن تعالى vilvery colors carriers الما وعلى المستعلى نادها المستعدد المست معنى كاست ديدكا اور واللي عالما العاء

ال كعدى العظم كما عن أو عدد المراس كار من كار من معالى شام و في الاسال فالدان شام و وعلى و سال بالري سيفرى فوالكرود عامد ي المؤن كري في جان الك الشوارة الدي منت كري بي . 8 47. 80. 5076 de 38x 2 100,0900 في للم المال المراجع المال المرابع المرابع بالمراكن والمعلى والمراكن المارك الما

とかっしたくとびらいられるいかがらにいってり اب ورور ورول مان ديقين يدا يك ويعاد والاب الديك كي المال الله المال الله المال المال

الى كى بدختى لوك كلية كود عن كاباد تق ج بداراى كسدين في 差上外のとういいなとりまり、ありはいいいか ひいとうかけいいにからしいかいかっからかけいんといる الم على ديل دي . جب فتى كا دوفق القون براي قوميان كذر يري الحيق معلى المراج المراك الاعتداد المراج المرادي المراد ا

استاه وُمَكِّ لِيُعْ يَعِرِهُ لِيَاكُونُواكَ مِنْ وَكَرِّمِهِ مِمَالُ وَعِي شَفِينَ مِنْ نى قوب غيال دول كروى دوده كادر إنول غادل كرف ولا إلى وي طري المريد ووي ميل المان وي قد ال المادم شاكعة عاب وناميها بالكوانولدة وعك ويا-

عدد فعالم العدم والمدين في الما المعالم المعال المنظر بلعب وتباكر النسوي والأيريداء غايس ونصال or 3/2 - 2 8 July 36 2 18 60, 003 62 2 - 3 2 000 بالغ بي فروم كالبيت متوق بعد ما تعديد كالدين بوال شاويك こんかいこうとんころはいしんといいいかいかん かんかんしいはのいかんにいるといいいい الماس موت الكسارات والدومي ويد طوركما واللي كالرب بال والله يور Kourds wheat confundample

المراد والمعالمة المراد عراد المراد المراد المراد المرادة الدولالا على على المرى لا こしゃいとんこうりょう

قبل الصير مركزهمان ان اورواحث قاصياستان آنداجت بنين بينكين فإلى متح يمركون ماد التساياد آيا tobactories Lotorerold مدوري يميون كالما المكن والتعالي بالالما

ودمور ورا عب عاطر بأوحال تعاكم الكراف كوالمس كوسكرك ا ودعال ال 10/2/2012 10 8/10/00/2012 8/20 12/2/2/2/2/2 الم رسل طرق كرما من الله ريمارت بدائدة الله الله راف والعيدي شاكري は、いいいできんしているいんにというころいいはん 2 resulted usecone discholosissis عامل بوت ي فالدوي وال تروات الديم الله يوارد الديم المدالة

> نشابواے ہاں رجیں کے دے ہ مير على اب ايدا وي كيد عيد

بيش كريك إلى المسيكي المبنعوى البيت كم مافرماة أيك اجوة الديوت الكيز سلط آپ ک فرصت می بیش کرنے کی معارت ماصل کر دے ہیں۔ ماکستان کے تاریخی اورجزافیاتی واتمات لارق ايك إلى ف اتمانى! یاکتان کے تمیں سال

هم إى وقت تك روشت كابوت ين نصوص ابيت ك ما ل كُتُب آب ك فرست ي

(ماہ جوری سے ماہ درسیرے آئے یں)

اسے سے کہ براہ ایک کو جات نے ہوگی می اُی او کے معالی وے عام علان مك ك دافعات درى بول ك - اي ع و أب إده اقداد ين أيد يم مال ك واقعات المال مك رافعات بال مكن ك واقعات الم

مطبوعات شيخ غلام على أولى اركيث ، چوك اناركل ، كابور

رويش نظايب روشن

كتاس

سے 7